

یک صد و بیست و چهار هزار و یک

بخش دوم

تغییرات بنیادی در زندگی مردم جهان
فیلمی که زندگی جدید و راحتی را به جهانیان ارزانی میدارد
موج تازه ای از تفکر و جسارت
رسالتی که تنها سینمای متعهد قادر به انجام آنست.

صحنه : آپارتمان دکتر روشنگر در تاریکی . نور کمی از راهرو به داخل می تابد . صدای کلید قفل در و باز شدن آن و داخل شدن دکتر روشنگر . دکتر روشنگر کلید برق را زده و اطاق روشن میشود . او کتتش را روی سوفای وسط اطاق می گذارد ، بطرف یخچال رفته و شیشه آبی برداشته و می نوشد . تلفن زنگ میزند . او منتظر می ایستد تا بفهمد آنطرف خط کیست .

روشنگر.....روشنگر اگه خونه ای ، تلفن را بردار ... منم کورش

روشنگر بطرف تلفن رفته و گوشی را بر میدارد

روشنگر : کورش عزیز ... درود بر تو دوست فرهیخته ام ، حالت چطوره ، خیلی وقته ازت بی اطلاع

کورش : چقدر خوشحالم که صدای پر مهرت را می شنوم ، خیلی وقته که از آخرین پیامبر خدا خبری به ما نمی رسه . راستی بی وفا ، هر کسی پیغمبر بشه ، باید دوستای قدیمی را فراموش کنه ، ما که نگفتیم با تو بیعت نمی کنیم .

روشنگر : مزخرف نگو ، کدوم پیغمبر ، برات گفتم : بار پیش نزدیک بود ، خدا منو بکشه زرنگی کردم از تیر رس برقص در رفتم .

کورش : آره ، یادمه ... ببینم خدا دنبالت نیومد تا ازت معذرت خواهی کنه !

روشنگر : بابا خیلی شوتی ، من میگم می خواست منو بکشه ، تو میگی دنبالت نیومد تا پوزش بخواد . میدونی : خدا، آدم اصلاح گر سالم نمی خواد . اون یه آدم میخواد که قالتاق و هفت خط باشه ، دزد و سر گردنه گیر باشه ، مثل آخرین پیغمبرش ، محمد و یا آنقدر احمق و ابله باشه که هر چی بهش گفت قبول کنه مثل یعقوب که شب عروسی حالیش نشد خواهر زشترو بهش غالب کردند نه اون کسی را که او طالب بود و یا آنقدر بی غیرت و جاه طلب و راحت طلب باشه ، مثل ابراهیم که زنش سارا را بعنوان خواهرش به فرعون معرفی کنه و فرعون زن اونو به زحمت بیندازه و خود ابراهیم دوازده سال در قصر فرعون شاهانه زندگی کنه و یا مثل نوح که با دخترش به رختخواب بره . خدا کسانی را به پیغمبری برگزید که خودشون ام الفساد بودند و مردم را همواره در جهل کامل نگهداشتند تا مثلا خدا در قدرت باقی بمونه . ببینم راستی راستی راجع به زندگی موسی چیزی میدونی ؟

که تمام عمرش در کشتار گذشت . اصلا میدونی که سنگسار کردن از اختراعات موسی پیامبر خدا بود .

کوروش : به ایست ، اینقدر تخت گاز نرو . بیا پائین تا با هم بریم . حتما این وسط یک سوء تفاهمی پیش آمده . بگذار مسئله را کمی باز کنیم . تمام آنچه را که گفתי درست و باور دارم ولی کار تو پاک کردن تمام این زشتی ها است . تا آنجا که من از تو شناخت دارم ، عقب نشینی و جا زدن در مرام تو نیست . اصلا میدونی ، تمام پیامبران چه زجری کشیدند تا پیغمبر شدن . عیسی جانش را سر این کار گذاشت . محمد پیش از رسیدن به قدرت هر وقت از کوچه رد میشد ، روی سرش خاکستر می پاشیدند . با یک بار تهدید که آدم میدان را خالی نمی کنه .

روشنگر : کوروش عزیز ، مثل اینکه دو زاری تو کجه ! و اصلا حالیت نیست . اولاً بادم نکن که صد تا سوراخ دارم ، دوما ، هندوانه زیر بغل من نگذار که زیر بغلم کورک در آمده

سوما ، تمام پیامبران اگر مخالفینی داشتند از میان مردم و دور و بری ها بود . کار من خیلی سخته ، مخالف من خود خدا است که با هر نو آوری مخالفه ، با روشن و آگاه شدن بندگان سخت مخالفه . اینه تفاوت من با مابقی پیامبران . من مقابل خدا ایستادم و کار های غلطش را بهش گوشزد کردم .

کوروش : به نکته خوبی اشاره کردی ، ایراد کار تو همین بود که خدا را به چالش کشیدی

ازش ایراد گرفتی . کنوم آدم عاقلی این کار را می کنه . ببینم کسی جرات داره از آدم های چلغوزی مثل خمینی یا سید علی خامنه ای ایراد بگیره . مثل اینکه از قتل های زنجیره ای خارج از کشور و اعدام های هر روزه داخل کشور خبری نداری . خدا که اصلا قابل مقایسه با آنها نیست . روشنگر جان ، هر کاری یه راهی داره ، تو تند رفتی . اصلا تو رو سننه که بخواهی آبروی از دست رفته خدا را به او بر گردانی . هندوانه زیر بغلش بگذار ، هر برنامه و پلانی که داری با یک چرخش رندانه به حساب او بگذار ، کاری کن که اون فکر کنه ایده ها مال اونه ، بگذار فکر کنه ، تصمیم گیرنده اونه و تو اجراء کننده ، اون وقت تو به هدفت که ساختن یک زندگی راحت و پر آسایش برای مردم جهان است میرسی .

روشنگر : حالا میگی چکار کنم ؟

کوروش : خیلی ساده ، ماهواره ات را جمع کن و به اون محلی برو که قبلا تونسته بودی با خدا و زنش صحبت کنی . مطمئن هستم ، این دفعه که بر گشتی از تو به عنوان پیامبر

یکصد و بیست چهار هزار و یکمی یاد کنیم . راستی اگر سفیر حسن نیت برای سایر کرات خواستی ، من حاضرم ، چون از زندگی در زمین حالم بهم میخورد .

روشنگر گوشی تلفن را میگذارد . به دستشویی رفته و مسواک زده و به بستر میرود .

ساعت بالای تختش یازده شب را نشان میدهد . چشمان او باز است . ساعت یک صبح را نشان میدهد و او هم چنان بیدار است . چند بار به پهلو و طاق باز می غلطد ، ساعت سه و نیم بامداد را نشان میدهد که چشمان روشنگر بسته میشوند .

فید اوت

فید این

جاده کویری Death Valley

حرکت اتوموبیل دکتر روشنگر و تایتل فیلم

روشنگر کنار جاده می ایستد ، وساتل ماهواره را به بالای تپه انتقال میدهد و آنها را ست آپ می کند . میکروفن را بدست گرفته ، روی به آسمان کرده و میگوید :

روشنگر : درود به خدای بزرگ و یکتا ، خالق زمین و آسمان ، حیوانات بزرگ و کوچک ، انگل و میکروب و ویروس ، خدائی که انسان را از گل آفرید و از دنده او حوا را ساخت

خدائی که کهکشانها را در شش روز آفرید و از کاری که میکرد آگاه بود . خدائی که قادر بود و هست که انسان را از علف بیافریند و بگوید جلبک دریائی جد ما بوده . جناب خدا منم روشنگر ... باور کنید اگر یعقوب نردبانش را بمن قرض میداد ، خودم برای دستبوسی شما بالا می آمدم . یک خبر خوب برای شما دارم . در سالی که گذشت و من از شما بی خبر بودم و صد البته شما از حال من خبر داشتید ، من برای شما صد ها عرضه حال جمع آوری کردم . در یکسال گذشته ، پیش ده ها پروفیسور از دانشگاه های معتبر جهان رفتم و از آنها راجع به وجود شما تائیدیه گرفتم . این کار من دهان یاهو گوی خیلی ها را خواهد بست که منکر وجود شما و زبانه لال مدعی مرگ شما هستند . باور کنید زحمت بسیاری کشیدم تا با افراد زیر ارتباط بر قرار کنم . خدا ، از آنجائی که عقل بندگان شما به چشمشونه ، وقتی می شنوند که یک استاد علم فضا از شما تعریف میکند و یک جوری مسائل علمی را با شما وصله پینه می کند ، صد در صد شما را باور می کند . البته ذات اقدس شما ورای تعریف و

باور مردم است . ولی دنیا ، دنیای تبلیغات است . خدا ، با تبلیغات هر آشغالی را میتوان به مردم فروخت .

امید وارم این بار به عرایض بنده گوش دهید ، کمی خود داری فرمائید و از کوره در نروید پلان های بیشماری دارم که بندگان شما را به آرامش و آسایش میرساند .

اولین فردی را که توانستم با هاش تماس بگیرم آگوستین (Augustinus) مقدس بود اون چشم بسته مخلص شما بود . گفت سلامش را به شما برسانم . راهنمایی های بسیاری کرد که همه اش سود مند بود . آگوستین با اینکه مادرش مسیحی بود به دین مانوی گرایش پیدا کرد و وقتی به میلان رفت ، مجذوب تعالیم قدیس آمبروس (Ambersio)

قرار گرفت و بر ضد مذهب مانی و فرقه های دو نا تیان و پلاگیوسیان مطلب نوشت ، که اگر علاقمند به دانستن آنها باشید ، یک کپی از آنها را برایتان می فرستم . خدای عزیز مگر فرامین و دستورات و رهنمود های شما با هم فرق دارد که بین آنها این همه اختلاف میگذارند و یک اندیشمند مثل آگوستین ، سالها راجع به آنها تحقیق کند و بعد متوجه شود که مسیح چرت گفته ، برود و مسائل ارثی و دینداری موروثی را زیر پا بگذارد و به مانویت گرایش پیدا کند و بعد که رفت ایتالیا و با آمبروسوس صحبت کرد ، دشمن خونی مانوی ها گردد .

بهر حال آگوستین به من گفت : سلام مرا از کانال مسیحیت به شما ابلاغ کنم ؛ نه مانویت .

هفته پیش رفتم پیش رابرت موریس پیج (Robert Morris Page)

فیزیکیان . حرفهائی میزد که نزدیک بود دعوائمان بشود . او میگفت : خدا یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر اون هم در یک محدوده جغرافیائی کوچک و به فاصله زمانی هر سیزده دقیقه به سیزده دقیقه فرستاده که تمامشان هیچ چیز جز مسائل ساده و روز مره اطرافشان که بیشتر راجع به جفت گیری است ، نمی دانستند . او مثال میزد ، وقتی با پیامبران راجع به کشتی صحبت میکردند ، فقط په فکرشان میرسید که کشتی حتما باید از چوب باشد و کشتی آهنی نداریم . او گفت : موسی پیامبر بر گزیده تو در مقابل این گفته قفل زنگ زده و شکسته ای را در آب انداخت و گفت : کدام آدم مشنگ میگه : آهن روی آب میمونه ؟ ایکاش در همان موقع شما که مرتب با موسی و اطرافیان او صحبت میکردید ، بهش می گفتید : موسی یک کاسه فلزی را توی طشت آب بگذار ببین پائین نمی ره . راستی خدای بزرگ و عالم چرا این کار را نکردید ؟ رابرت می گفت : پیامبران تو که در

صحرای حجاز چشم باز کردند ، چه آگاهی از دریا و جنگل داشتند . آگاهی از فضا به کنار !!

راستی حرفهای رابرت زیاد هم پرت و پلا نبود . هر چند من بهش گفتم : خدا پیامبرانش را وقتی انتخاب میکرد ، کاری به دانش و آگاهی آنها نداشت ، مهم این بود که پیامبر گوسفند چران باشد ، چون امت همواره دام بوده و دام باقی میماند . برایش از امروز و خصوصا از جهان اسلام مثال آوردم که چطور یک و نیم میلیارد پستاندار مسلمان در جهان داریم .

رابرت را متقاعد کردم و او پذیرفت . رابرت می گفت : برای اثبات وجود شما باید آزمون ارزنده ای صورت گیرد . اول باید بپذیریم که خدائی وجود دارد !!!! وقتی این حرف را زد من بهش توپیدم که چی میگی حاجی ، خدا می خواست در بیابان مرا بکشد . خودم با زنش و خودش صحبت کردم ، حالا فرضیه می بافی که اول چشم بسته باید قبول کنیم که خدائی وجود دارد . البته اون بدون شلوار وسط حرفم دوید و گفت : چون قدرت مشاهده ما محدود به قسنت کوچکی از حقیقت و واقعیت است ، باید خود را آماده کنیم تا شهادت دیگران را بپذیریم . به او گفتم : با این حساب و تفکر جنابعالی است که یک میلیون حدیث و جعلیات مذهبی ساخته شده ؟ راستی ، رابرت جان ، تو امام جعفر صادق ما را می شناسی ؟ که از او چند میلیون حدیث با پشتوانه شهادت او ساخته اند .

از دفتر رابرت بیرون آمدم ، رابرت دنبالم دوید و سر پله ها گفت : روشنگر روشنگر آیا شک داری که چهار صد سال پیش از آمدن عیسی مسیح ، تعدادی پیشگوئی کردند که او می آید و دیدی که آمد !!!! همانطوریکه یک روز مهدی عجل اله می آید . آیا اینها دلیل وجود خدا نیست ؟ منم بر گشتم و بهش گفتم : اولاً ؛ خودتو به دکتر نشون بده ، مرد حسابی چند دقیقه پیش می گفتمی : باید بپذیریم که خدائی هست و حالا که با چند قدم دویدن دنبال من مخت تکان خورده میگی : آمدن عیسی و مهدی دلیل وجود خداست . باور کن اگر رئیس دانشگاه بودم ، همین حالا بیرونت میکردم .

از پیش رابرت پیچ یکر است نزد مریت استانلی گونگدون Merritt Stanley Congdon

فیلسوف و عالم طبیعی دانشگاه برتن فلوریدا رفتیم . وقتی نظرم را بیان کردم و هدفی را که دنبال می کنم برایش شرح دادم ، گفت : چند سال پیش ، من یک بوته گل سرخ اهلی پرگل دیدم که کنار راه دور افتاده ای در پنسیلوانیا کاشته شده بود . کنار بوته گل یک دیوار فرو ریخته بود که از علف و خزه پوشیده شده بود . تا یک مایلی آن گل ، هیچ آبادی و ساختمانی نبود . با دوست گیاه شناسم مسئله را در میان گذاشتم !!!! او گفت : به احتمال ضعیف تخم گل توسط باد یا جانوری مثل زنبور به آنجا رسیده و به احتمال قوی این گل را یک انسان کاشته !!!! البته من آن انسان را ندیدم و مدرک تاریخی برای کاشت گل ندارم !!!! خداوند دیدم استاد استانلی خیلی از مرحله پرته ولی تحمل کردم که ببینم آخر کار به کجا ختم میشه

او ادامه داد : وقتی گل را دیدم و دانستم آنرا یک انسان کاشته ، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که کهکشانها ، ستاره ها و سیارات را از مدار خودشان خارج کرده و تحت پوشش خود در بیآوریم !!!!!!! به مریت گفتم : عزیز تو فرق بین گوز و شقیقه را میدانی ؟ با تعجب پرسید : چه ارتباطی با هم دارند . گفتم : نکته همین جاست . تو چطوری گل سرخ و یونیورس را بهم بافتی . این همان معنای گوز و شقیقه را میدهد و در ضمن ارتباطش را .

خداوند ، همین دانشمندان هستند که وقتی راجع به وجود تو اظهار عقیده می کنند ، به هر چه استدلاله تگری میزنند . اگه برای مردم عامی بگه : گل را یک تن کاشته ، بنابراین برای ساختن و کاشتن جهان !!!! یک نفر دست بکار شده و اون خدا است ، فهمش راحت تره تا اینکه مارو دور بزنه و بگه گل را یک نفر کاشته ، لذا ما نمی توانیم روی مریخ اثر گذار باشیم !!!! دکتر استانلی که گوش مفت پیدا کرده بود ، برام گفت : من از شاگردانم خواسته ام تا فورمول شیمیایی اندیشه را برای من بنویسند !!! طول آنرا به سانتیمتر ، وزن آنرا به گرم و رنگ و شکل و بزرگی و فشار و کشش درونی آن و میدان تاثیر و جهت و سرعت آنرا تعیین کنند !!!! البته من میدانستم که اندیشه را نمی توان با هیچ تعبیر فیزیکی یا معادله یا فورمول بیان کرد . از او پرسیدم : وقتی چیزی را نمی توان با فورمول بیان کرد چه لزومی دارد آنرا مطرح کنید ؟ گفت : باید مسائل را پیچاند تا هر کسی متوجه آن نشود . تمام مبلغین مذهبی طوری حرف میزنند که کمتر کسی متوجه آن شود . برای مثال شما ایرانیان که نماز و قرآن را به عربی می خوانید از معنی آن آگاه هستید ؟ وقتی یک آخوند سر منبر صحبت می کند ، چقدر از مزخرفاتش را فهمیده و چقدر آن بدردتان میخورد روشنگر جان ، این ها مسائلی نیستند که تنها با خندیدن سرو ته هاشان را بهم بافت . امروزه سیاست جهانی را این دری وری ها تعیین می کند . جانم : علم عبارت از معرفت

آزموده هاست ، ولی آن نیز در معرض اشتباه و گمراهی و بی دقتی آدم هاست . اثبات وجود خدا را نباید در فورمول جستجو کرد ، باید چشم بسته آنرا پذیرفت تا پیش از آنکه گه گیجه بگیری !!! چون وجود خدا متکی بر واقعیت فیزیکی نیست .

خدا خان ! من هر چه به استانی گفتم : بابا خدا ماهیت فیزیکی داره ، خودم باهات حرف زدم ، می خواست منو بکشه بخرجش نرفت که نرفت . همش می گفت : غیر ممکنه غیر ممکنه . استانی در کشوی میزش را باز کرد و یک قرآن در آورد و گفت : به این کتاب مقدس سوگند میخوری که راست میگوئی . خنده ام گرفت که چطور استاد دانشگاه برتن جلوی من هجو نامه قرآن که تمامش جعلیات محمد است را گذاشته و از من میخواد به آن سوگند بخورم ، قرآن را کنار زدم و گفتم : یک پیغمبر راستین دروغ نمی گوید . استانی لای قرآن را باز کرد و سوره نمل و آیه شصت آنرا برام خواند : کیست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمانها برای شما آب (باران) فرستاد . پس بدان با آب باغستان خرم رویانیدم . آیا شما میتوانید مثل من درخت برو یانید ؟ اگر توانستید ، شما قومی کجرو . گمراه هستید

خدای عزیز و بزرگ ، این آدمهای کوتاه بین که قادر نیستند نوک دماغشان را ببینند ، چطور با عقل و شعور شما بازی می کنند . آنها میگویند : شاهکار شما خلق چنار است و اگر کسی توانست چنار بکارد از گمراهان است . حالا خوب شد که ننوشتند : کسی که منار بکارد از کجرو هاست . از دکتر استانی و حر فهایش خوشم نیامد . او را شارلاتانی در حد مبلغین مذهبی دیدم ، نه کمتر . از دفتر کارش خارج شدم . خدایا تا این لحظه هر کی را دیدم فقط بطور تئوری و در قالب بازی با الفاظ می خواهند تو را ثابت کنند . در حالیکه من با تو صحبت کردم ، با خانمت صحبت کردم و تو می خواستی مرا بکشی . تعدادی هم می خواهند با پیچاندن مردم و در قالب لغات قلنبه سلنبه ، وجود تو را بشکل امروزی پسند با علم جمع کنند .

دوستم کورش ، دکتر جان کلیولند کوتران (John Cleveland Cothran)

دکتر فلسفه ، ریاضیدان و شیمیست دانشگاه کرنل و دانشگاه مینسوتا را به من معرفی کرد و گفت : مطمئن هستم از پیش او دست خالی باز نخواهی گشت .

دکتر کوتران وقتی مرا دید گفت : کورش تعریف زیادی از شما کرده ، خیلی دلم می خواست تا پیامبر صد و بیست و چهار هزاریکمی خدا را ببینم . راستی باید قول بدهی که ظهر بریم چلو کبابی و دلی از عزا در بیآوریم . خیلی خوب چلو کباب کوبیده و برگ و گوجه را می شناخت . عاشق دوغ اراج بود . می گفت : توی آمریکا و توی ایالت آنها دوغ

اراج کم گیر می آد ، ولی خوشبختانه دوغ ابعلی زیاد پیدا میشه . دکتر کوتران را خیلی آشنا به کالچر خودمون دیدم . دکتر کوتران گفت : دوستی داشته بنام لرد کلوبین که بزرگترین عالم فیزیک بود و اکنون در بین ما نیست ، خدا رحمتش کند . او می گفت : اگر نیکو بیندیشیم ، علم شما را ناچار از آن خواهد کرد که به خدا ایمان بیآوریم . دکتر کوتران می گفت : اگر سه فاکتور ماده ، عقل و نفس را با هم جمع بزنیید به خدا میرسید . از طریق شیمیائی نمی شه به خدا رسید ، چون ماده نیست ، هم چنین از طریق عقلی !!!!! که منظورش را واضح بیان نکرد ، هر چند من متوجه شدم . او خواست بمن بفهماند که تنها ابلهان و آدم های مشنگ و کس خل تو را باور دارند ، یعنی آدم با شعور کاری بکار تو نداره . او راجع به فاکتور سوم ، یعنی نفس هیچ توضیحی نداد . او مسئله تصادف و شانس را کاملاً مردود شمرده که باز من موندم و او که چطوری می خواد با پیش کشیدن مسئله شانس و تصادف ، وجود تو را اثبات کنه . گیج شده بودم که دکتر کوتران گفت : روشنگر
وقته چلو کبابه .

سر میز غذا دکتر کوتران گفت : هانری پورتر (Donald Henry Porter) فیزیکدان هم اعتقاد داره که اگر کسی بخواد وجود خدا را اثبات کند ، همانطوریکه قضیه فیثا غورث را در هندسه باور دارد ، باید به وجود خدا هم اعتقاد داشته باشد !!! یعنی قبول زور زورکی . دکتر پورتر میگه : اگر فاصله میان دو جسم خیلی زیاد باشد ، این دو جسم همدیگر را دفع می کند . بنابراین نتیجه میگیریم که باید خدا را باور داشت !!!!!

من هم به دکتر کوتران گفتم : مش حسن آشپز هم میگوید : اگر به غذا نمک زیاد بزنییم ، غذا شور میشود ، بنابراین شوری غذا دلیلی است برای اثبات وجود خدا . اول دو زاریش نیفتاد و بعد چنان خنده اش گرفت که لقمه کبابش از دهنش خارج شد و افتاد توی ظرف میز بغلی .

خدایا ، تو منو به عنوان پیامبر جدید انتخاب کن ، اون وقت با رهنمود های تو و پشتکار من از جهان بهشتی خواهیم ساخت که تمام بندگان تو از مواهب آن بر خوردار شوند ، کاری خواهیم کرد که دیگر کسی به دروغ های پیامبران پیش از من دل نبندد ، که آن دنیا به بهشت خواهند رفت . البته ماه پیش پاپ فرانسیس گفت : نه بهشتی در کار است و نه جهنمی لطف کن تائیدیه حرف های پاپ را به آگاهی من برسان تا تکلیف میلیارد ها بندگان تو را روشن کنم و به آنها بگویم : از هفتاد حوری خبری نیست و در ضمن بخاطر هزینه سوخت

بالا در جهنم را گل گرفته اند . بهشت و جهنم همین دنیاست . ما شرایط را طوری آماده می کنیم که بندگان تو ، خود بهشت و جهنمشان را انتخاب کنند .

خدای بزرگ ، عالم و توانا و قادر و صاحب سگ و گربه و یوز پلنگ ، فیل و زرافه و درخت زیتون و خورشید و ماه و دریاچه رضائیه که فرستاده هات خشکش کردند ، برای اینکه زمینه اثبات وجود تو را بطور علمی و به منظور بستن دهان بد خواهان و مشرکین ببندم تمام نوشته های انوارد لوتر کسسل (Edward Luther Kessel)

جانور شناس و حشره شناس از دانشگاه کالیفرنیا و والتر اسکار لند برگ (

Walter Oscar Landberge)

بیوشیمیست ، از دانشگاه مینسوتا و دکتر فلسفه از جان هاپکینز را جمع آوری کردم و در بین امت تو پخش نمودم . می بخشید که نتیجه عکس گرفتم ، چون چرندیات این دو دانشمند راجع به اثبات وجود تو کار را خراب اندر خراب کرد .

حشره شناس دانشگاه کالیفرنیا میگه : در سالهای اخیر در نتیجه مطالعات علمی ، دلایل جدیدی برای اثبات وجود خدا بدست آمده . البته دلایل قبلی برای اثبات وجود خدا کافی بود !!!! او کسی که تعصب نداشته باشد ، چشم بسته باید خدا را قبول کند !!!! من بعنوان یک فرد مومن !!!!! از اضافه شدن دلایل جدید ، هر چند که نیاز نیست !!!! خوشوقتم . این دلایل چشم بد بین تعدادی را که منکر وجود خدا هستند باز می کند .

اخیرا در آمریکا نهضتی ایجاد شده که مردم دسته دسته به سمت دین گرایش پیدا می کنند !!!!! البته ، این حرف حشره شناس کالیفرنیائی با مدارک ارائه شده توسط جامعه هیو منیست های آمریکا در تضاده . من به هیچ وجه نمی خوام از انسانگرا ها دفاع کنم . اگه می خواستم ، کارم خیلی راحت تر از پیغمبر شدن جلو میرفت . سوسک شناس دانشگاه کالیفرنیا در یک چرخش رندانه میگوید : البته مطالعات علمی به صورت خاص برای اثبات وجود خدا صورت نگرفته !!! اصولا این مطالعات با مبدا که چگونه حیات بوجود آمد کاری ندارد . وقتی کتاب مقدس میگوید : خدا آدم را از گل آفرید و از دنده او حوا را . این دیگر بحث ندارد !!!!!!! مطالعات جدید به طرز کار ماشین طبیعت کار دارد و خود را درگیر سازنده ماشین نمی کند ! وقتی ما اعتقاد به قانون انتروپی که میگوید : حرارت از اجسام گرم به سوی سرد میروود داشته باشیم . مسئله ازلی بودن جهان منتفی میشود !!!!!!! بنابراین جهان را یک نفر ساخته !!!!! که اسمش خدا است . همانطوریکه یک ساختمان را معمار و یا مهندس میسازد . کهکشانها را خدا ساخته !!!!! ما باید بپذیریم که خدا بیگ بنگ را آفریده . اگر کسی برای دلایل علمی ارزش قائل باشد ، باید قبول کند که خدا وجود دارد !!!!!

اگر امروزه بشر توانسته به کشفیات زیادی نائل شود ؛ همه اش از لطف خداوند است !!!!!

خدایا من چقدر خوشحالم این مگس شناس دانشگاه کالیفرنیا ، استاد فلسفه نیست .

سخنان والتر اسکار لند برگ هم مشابه آنوئل شناس کالیفرنیا است . او اعتقاد داره دانشمندانی که با تحقیق سر و کار دارند ، بهتر از دانشمندانی که به تحقیق بی علاقه اند!!!! می توانند به حقیقت وجود خدا پی ببرند!!! اصولا ، اصول اولیه علوم ذاتا به وجود خدا دلالت دارد!!!! اگر نظر مرا می خواهید ، باید بگویم : اعتقاد به خدا باید مبنای روحانی داشته باشد!!!! که پایه آن ایمان است .

خدایا دیدی چطور با بندگانت بازی می کنند . اولش کلی تبلیغ کردند که اکتشافات و کشفیات جدید ، مدارک غیر قابل تردید برای اثبات وجود تو ارائه داده ، بعد بدون کوچکترین اشاره به کشفیات ، حرف آخرشونو زدند : خدا را باید چشم بسته قبول کرد . راستی خدای بزرگ هنوز خبری نشده ، اطرافیان و دوستان از من انتظار معجزه دارند .

می خواهند من هم مرده زنده کنم ، با یک اشاره گراند کنیون را پر کنم و دریاچه میشگان را از وسط باز کنم

بگم بیسوادم ولی کتابی بنویسم که برنده جایزه نوبل در ادبیات بشه . اما من قبلا به شما و حاج خانم شما گفته ام : حقه بازی و دروغ تو کار من نیست . پیامبران سابق آنقدر دروغ و چاخان گفته اند که چاخان دون مردم پر شده و جای حقه بازی جدید نیست . میدونم الان به حرف من می خندی و میگی : آگه این مردمی که من می شناسم ، تریلیون بار سرشون کلاه بره ، براحتی میتوان تریلیون بار دیگه سرشونو کلاه گذاشت . خدای عزیز با حرف شما موافقم . ولی هدف من اینه که برای همیشه تخم دروغ را بریزیم جلوی ملخ و دیگه چیزی بنام دروغ نداشته باشیم . با این کارمون داریوش بزرگ هم به آرامش میرسه که گفته بود : خدا کشور مرا از دشمن ، دروغ و خشکسالی حفظ کند .

خدایا از این دانشمندان اسم و رسم دار ، هیچ آبی گرم نمی شه . اونا مردم را بیشتر گمراه می کنند . بهترین کار اینه که خودت مستقیما با پیامبرت صحبت کنی و از برنامه ها و پلان های خودتون که من آنها را باز خوانی می کنم ، آگاه شوید!!!!

در ضمن از دوستان رسانه دارم در لس آنجلس خواستم تا راجع به من کمی تبلیغ کنند . بدون تبلیغ که چیزی را نمی توان عرضه کرد . دوستم شهرام همایون از من بعنوان ارسطا طاليس منطقه ولی یاد کرده و رادیو 670 لس آنجلس با دریافت هزار دلار به من لقب آلبرت انیشتن ثانی داده . تلویزیون پارس هم با دریافت 250 دلار مقام علمی مرا در سطح

دیوید بور فیزیکدان دانمارکی دانسته و دست به افشاگری زده و گفته : بور ، نظریه های
مرا در امر ساختمان اتم و موافق ساختن آن با نظریه کوانتوم به نام خودش جا زده و
معرفی کرده . البته دوستم و خواهرم هر دو اعتقادشان این است که مقام من در سطح
فرانسیس بیکن فیلسوف انگلیسی است . خدایا می بینی که چه پیامبری گیت آمده ، اصلا
توی خواب هم میتوانستی چنین تصویری را بکنی ؟ خواهش مندم با من تماس بگیر . اگر
حوصله حرف زدن نداری و یا خسته ای ، برام ایمیل بفرست . میتونی با اسکایپ هم دیگر
را ببینیم . خدایا کلی برنامه برای تجات بندگان تو و رساندن آنها به آسایش و آرامش دارم .

شما با انتخاب من ، برای ابد نام نیک خود را در تاریخ کهکشانشما ثبت می کنید ، و از حوزه صحرای حجاز و فیضیه ها و هم چنین تمپل و واتیکان و دیوار ندبه خارج شده و در بیست و پنج گالکسی شهرت و معروفیت خاص پیدا خواهید کرد . شما با این کارتان مشتی دانشمند و ستاره شناس و فیلسوف را دور خودتان جمع می کنید ، درست بر خلاف گذشته که تنها با بز چرانها دمخور بودید .

دیروز که تصمیم گرفتم پیش شما بیایم کلود هتاوی Claude M. Hathaway مهندس مشاور کمپانی جنرال الکتریک نیویورک و طراح مغز الکترونی بهم تلفن زد و گفت : شنیدم می خوای بدیدن خدا بری . اولاً درود مرا به ایشان ابلاغ کن و از قول من به خدا بگو : ندیده و نشنیده مخلص شما هستم و شما را می پرستم ، آنهم از روی تجربه ! کلود بمن گفت به شما بگم : ایمانی که از راه تجربه بدست آمده نباید نا چیز بشماریم و یا آنرا غیر منطقی بدانیم . با اینکه بهش گفته بودم : خیلی گرفتارم ، ولی اون که گوش مجانی پیدا کرده بود ، دست بر دار نبود . او ادامه داد : وقتی بچه بودم ، بخاطر اینکه ، پدر و مادرش اونو به کلیسا میبردند به شما ایمان آورده . ایمانی که پدر و مادرش به او تزریق کرده اند و تجربه شیرینی شده است !!!!!!! وقتی پدر و مادرم مرا به کلیسا بردند ، انوار خدا دلمو روشن کرد . من به خدائی ایمان دارم که پیامبران را بما شناساند !!!!! دیدم کلود ، خیلی دری وری میگه . تمام پیامبران آمدند و گفتند : خدا ما رو فرستاده و خدا تنها با ما حرف میزنه ، البته نمیدونم روی چه حسابی خدا برای حرف زدن با محمد جبرائیل را تراشید . یاد حرف دکتر شجاع الدین شفا افتادم که گفته بود : من یک مسلمان هستم ، چون در خانواده مسلمان بدنیا آمدم و پدر و مادرم مسلمان بودند . پدر و مادرم مسلمان بودند ، چون پدر و مادر خودشون مسلمان بود و بهمین ترتیب برو جلو تا به جد من زمان ساسانی برسی . زرتشتی مفلوکی که با ضرب تازیانه و جزیه های سنگین ، مذهبی را به او زور چپان کردند که حتی زبانش را نمی فهمید .

خدای بزرگ این دست و اون دست نکن ، اگه تو منو به عنوان پیامبر انتخاب و به کلود معرفی کنی ، ایمانش قوی تر میشه . خدا جون ، حالا که یک دانشمند مشنگ پیدا شده که دلیل ایمانش ، شناسائی پیامبران از جانب توست ، معطلش نکن و منو به اون بشناسون . به بخشید ، قصد تهدید ندارم ، اولاً سگ کی باشم که شما را تهدید کنم ، ثانياً ، خوب ، میتونم از کلود بپرسم : کلود جان لطفاً بمن بگو : کدوم خدا را تو قبول داری و اون طفلک که فقط چیزز را می شناسه ، حتماً با تعجب میپرسه : مگه ما چند تا خدا داریم ؟ اون وقت من مجبورم بهش بگم : ما ده ها خدا داریم که از معروفترین آنها یکی خدای تو ، چیزز است و خداهای دیگر عبارتند از : یهوه الله ، اهورا مزدا ، تازه خود اهورامزدا ، 101 اسم داره که اولیش ایزده و آخریش اشم وهی ، و چون قران را محمد از روی اوستا و کتابهای مقدس یهودیان کپی کرد ، اونم برای اینکه از زرتشت عقب نیفته ، برای الله 101 نام انتخاب کرد . به کلود میگم که مصریان 114 تا خدا داشتند . بهش میگم : میدونی زئوس ، پوزئیدون ، هستیا آریس ، هر مس ، آپولون ، آتنا ، ونوس و دمتر چه کسانی بودند ؟ اون خرد گم کرده که فقط عیسی را می شناسد ، مثل خر در گل گیر می کند . حالا اگه بهش بگم ، همشون خدا هستند ، میتراسم ایمانش شل بشه . قول میدم راجع به دو میلیون خدای هندی دو کله و شش دست و پا و فلوت زن و رقااص اصلا حرف نزنم .

نگذار بهش بگم که محمد اسم تو را از روی بت بزرگ کعبه کش رفته . حالا این کلود کس خل میگه : تو محمد را به مردم شناساندی .

آقای هاتاوی میگفت : هر ساخته ای ، یک سازنده دارد . یعنی حرفهای تکراری آقای افجه ای ، معلم دوران دبستان و دبیرستان من . هر وقت از او می پرسیدیم : دلیل وجود خدا چیست ؟ جواب میداد : چطور یک خانه را معمار میسازد . پس یونیورس را خدا ساخته . حالا پس از گذشت این همه سال و پیشرفت تکنولوژی ، همون حرفهای 60 سال پیش را بخورد ما میدهند . خدای بزرگ این نظر مرا قبول داری که : اگر مذهب نبود ، ما پانصد سال پیش در ماه پیاده شده بودیم و امروز کلی سیاره برای زیست بنده های تو پیدا کرده بودیم . اینو گفتم تا روشن بشی که ذهن بنده های تو بخاطر باور های مذهبی یخ زده است . اگر هزار سال بعد هم سؤال خودمو تکرار کنم که دلیل وجود تو چیست ، تنها پاسخی که می شنوم اینه که : چطور یک ساختمان را معمار ساخته ، پس کهکشان را خدا ساخته . هاتاوی میگه : این کهکشانها را تو ساختی . من موندم و این استدلال آبکی . گیرم که تو این کهکشانها را آفریدی ، پس چرا روزانه تعداد زیادی از این سیارات را نابود میکنی . شده کسی چیزی را بسازد و بعد آنرا نابود کند ، هر چند استثنا وجود دارد . مثلا سپاه پاسداران یه سد روی کارون ساخته بنام سد گتوند که در محل کوه های نمکی است و تا امروز صد ها هزار نخل را خشک کرده و در هر لیتر آب پشت سد 315 گرم نمک وجود داره . خوب باید هر چه زودتر این سد را خراب کرد . ولی خدای بزرگ کار های تو که قابل مقایسه با کار یه مشتم لومپن و باج گیر قلعه شهر نو بنام پاسدار نیست . خدایا چرا جلوی شهاب سنگ های سرگردان را نمی گیری که بیایند و زرتی بزنند به ساخته تو و اونو نابود کنند .

خدایا این چه مزخرفاتی است که پیامبران پیش از من پخته و بخورد بنده های تو داده اند . چطور میشود باور کرد که شما از میان میلیارد ها سیاره که تا کنون تلسکوپ هابل رصد کرده ، به زمین چسبیدید و تازه این همه جا های سبز و خرم و زیبایی که روی زمین داریم ول کردید و به بیابانهای بی آب و علف حجاز روی آوردید و برای ریگ و شن و مردمانی اندک ، 124000 پیامبر ، آنهم هر سیزده دقیقه یکبار فرستادید

یاد زنده یاد دوست گرانقدرم پروفیسور مسعود انصاری می افتم که میگفت : هزاران سال است که مذهبیین در پایگاه قدرت رو حانیت بر عقل و احساس مردم حاکم بوده و هستند . لطفا ، یکسری به ایالت یوتا در آمریکا بزن و ببین چطور روی بیل خورد های بزرگ کنار فری وی روی تصویر داروین ضربدر کشیده اند . چطور رئیس جمهور آمریکا پرزیدنت بوش ، بخاطر اعتقادات و یا فشار آخوند های آمریکائی جلوی تحقیقات علمی می ایستد . یکسری به 54 کشور مسلمان جهان بزن و می بینی که همشون از بیخ عربند . وقتی از تحصیل کرده هاشون که مدرک دکتری و مهندسی دارند می پرسی : فلسفه روزه در روزهای بلند و گرم تابستان چیست ؟ میگویند : وقتی از یک سماور چند سال استفاده کردی جرم میگیرد !!!!! ما روزه میگیریم تا جرم بدنمان از بین برود !!!!!!!

خدای بزرگ ، درسته که بنده های تو هزاره سوم میلادی را تجربه کرده اند . تو جیب هر کدومشون یک سل فون هست ، تابلت و آی پت را خوب می شناسند ، ولی باور کن که اندازه گاو شعور ندارند . از این نا آگاهی و دام بودن بنده های تو ، یک مشت شارلاتان بنام : آخوند ، خاخام ، فادر ردو و استفاده می کنند .

بنام تو دکانی باز کرده اند که جلوی آن و المارت و کاسکو باید لنگ
ببندازند. خرافات تا مغز استخوان بنده های تو فرو رفته. خدای بزرگ تا
حالا خیلی دیر شده، ولی ماهی را هر وقت از آب بگیری می جنبه!

یکسری به هندوستان بزن، هر خانواده یه خدا داره، بنده های تو، مقام
تو را به سطح موش و گاو و میمون رسانده و این جانوران را می پرستند
برخی از اونها، زبانم لال، توادر حد سنبل مردان پائین کشیده و دودول
پرست هستند. فکر نکن اینها را از خودم در میارم. زحمت کشیده و چند
دقیقه روی گوگول وقت صرف کن، تا بفهمی من چی میگم. آبروت
شدیدا در خطر. نماینده های شارلاتان تو با پندار های بی بنیان، دزدی
و فحشا و جنایت را ترویج میدهند. خدای بزرگ، تمام بنده های تو لنگ
در هوا سرگردان هستند. اونهایی را که فرستادی، هیچ شناختی از تو
ندارند. بیشترشون برات تره هم خرد نمی کنند، اونا فقط از اسم تو برای
ترساندن مردم و سر کیسه کردن آنها استفاده می کنند. وقتشه که به این
سردر گمی بنده هات خاتمه بدی و همه چیز را روشن و شفاف برایشون
توسط من، شرح بدی. چند هزار ساله که بنده های تو گیج در تئوری
های مختلف دست و پا میزنند. از ذمیقرا تیس سده پنجم بگیر تا افلاطون
و ارسطو که تئوری او را به بحث و مقابله گذاشتند و شاعر رومی
لوکرتیوس که تئوری اتم را در قالب هفت هزار بیت شعر سرود و نیوتن
که پنداشت: اتم ها تحت تاثیر نیروی جاذبه در حرکتند تا امروز که
دانشمندان ثابت کرده اند که ذرات اتم، پیچیده بوده و شامل ذرات بنیادی
تر که عملکرد و فعالیت آنها را نیروئی به اصطلاح هسته ای اداره می
کند، هستند. خدایا این چیز هائی را که میگم، می فهمی؟ امروزه
بعضی از بنده های تو به دری وری های کتاب مقدس و قرآن می خندند

اونا همه چیز را در اتم جستجو می کنند . حرف اصلی من و اونا اینه که همه اشیا و اجسام از اتم ساخته شده اند . دانشمندان آی بی ام در سن حوزه ، شمال کالیفرنیا بوسیله Scanning Tunneling Microscope توانستند مشتی اتم را بصورت سه حرف **IBM** کنار هم بگذارند

و از آن عکس بگیرند . دانشمندان میگویند ، تنها عمر زمین پنج میلیارد ساله . ما به مابقی سیارات کاری نداریم . عمر زمین پنج میلیارد ساله ، نه اون چیزی که کتاب مقدس میگه (6000 سال) . امروزه نمیتوان هر جوک و لطیفه ای را بخورد مردم داد . امروزه بچه های ما میدوند که پوشش برونی اتم را ابری از ذرات فرا گرفته که آنرا الکترون می نامند

برای تجسم این دنیای شگفت انگیز تصور کن که پیرامون این ذره کوچک به عظمت مدار مشتری است . ما از درون ابری از الکترون که مدار مشتری است میگذریم و در فضای نامتناهی ، مسافتی تا پیرامون خورشید را طی می کنیم ، و در آنجا به ترکیب طبیعت یعنی هسته اتم میرسیم . خدا یا میدونی که خود هسته اتم از پروتون و نوترون تشکیل شده که خود آنها مجموعه متراکمی از ذرات کهنسال تر از ذرات بنیادی طبیعت که کوارک **Quark** خوانده میشود ، میباشد .

خدایا صادقانه بگو : کدام یک از پیامبران تو حتی میتوانند اتم را هجی کنند ، چه برسد که از آن سر در بیاورند . دانش آنها تنها در حد کردن و دادن بود ، در حد سنگسار کردن و گردن زدن بود ، در حد چشم در آوردن بود . محض نمونه یک فروزه انسانی و علمی از آنها مثال بیاور .

هنر ابراهیم ، تنها جاکشی بود ، موسی و محمد هنری جز آدمکشی نداشتند . آیا عیسی از دانش جهان آگاه بود ؟

خدای بزرگ ، من خوب میدونم ، وقتی گوشت پیدا نشه ، چغندر پهلوانه
شاید بگی اون زمانها : بهتر از ابراهیم و موسی و عیسی و محمد آدم
حسابی تری پیدا نکردم . درست ، ولی چی شد که پیامبر سازی سیزده
دقیقه به سیزده دقیقه سازیتو یه دفعه متوقف کردی و الان که هزار و
چهار سال از زمان محمد میگذره ، دلت نمی آد تا منو که با بقیه کلی
تفاوت دارم و صرفا برای نیک بختی و بهزیستی بنده های تو پیش قدم
شده ام ، به پیامبری بر گزینی . شما میتوانید در هر زمینه علمی- اخلاقی
منو امتحان کنید . اگر پاسخ درست ندادم ، بگو نمره قبولی بالای 75
درصد نیآوردی و ردی . اون موقع من میرم دنبال کارم و دیگه دلم نمی
سوزه که ببینم ، هر روز بنده های تو بیشتر در نجاست خرافات فرو
میرند و مبلغین مذهبی پوستشونو قلفتی می کنند .خدایا راحت بگم : شش
هزار ساله که پوست شتر بار خر کردی و خودت خبر نداری . از ما
گفتن .امروز که بندگان پاک ولی ابله تو که از معجزه شما بی خبرند که
نود و نه و نیم درصد پیکرشان از کوارک و نیم درصد بقیه از الکترون
ساخته شده ، براختی برای خواست های مبلغین تو جانشان را فدا می کنند
بنندگان تو نمیدانند که پیکرشان از تریلیون تریلیون ذرات اتمی بنام
Neutrino ساخته شده است . آنها فکر می کنند که شما ، آنها را
از گل ساختی . خدایا وقتی تریلیون تریلیون اتم را کنار هم میگذاشتی تا
آدم را بسازی چه احساسی بهت دست داده بود .تو که این کار بزرگ را
انجام دادی ، پس چرا گفتی : من آدم را از گل ساختم و از دنده او ، حوا
را . راستی کدام دنده را انتخاب کردی ؟ امیدوارم دنده عقب نباشه !
خدایا من از نیروی اولیه که تو با آن خلقت را آفریدی ، آگامم . بگو

کدام یک از پیامبرانی که فرستادی اصولاً میدانستند : نیروی قوی که بر حوزه دنیای شبه اتم حکمرانی می کند و کارش نگهداری کوارک ها با یکدیگر است تا پروتون و نوترون به وجود آید و عملش از طریق ذراتی بنام Gluon که نقش پیوند گر را بازی می کند ، چیست ؟

کدام یک از پیامبران تو از نیروی ضعیف که حاکم بر فساد ذرات است و کارش از طریق ذراتی بنام Weak Bosons هدایت میشود ، آگاهی داشتند . خدایا آیا تا بحال در کتاب قرآنت تجدید نظری کرده ای

میدونی چه شعر و ور هائی راجع به یونیورس و زمین نوشته ای . میدونم وقت نداری ، خودم خلاصه اش را بهت میگم ، البته اینم بگم که تمام مطالبی که در قرآن از طرف شما نوشته شده ، کپی کتاب مقدس و یافته های غیر مذهبی دانشمندان دوران باستان است و محمد به هیچ وجه چیز جدیدی نیاورد که پیش از او مردم از آن نا آگاه باشند .

هزاران سال پیش ، مهم ترین نظریه ، آفریده شدن زمین و آسمان از آب توسط خدایان مختلف بود . این امر مورد توجه تالس فیلسوف یونانی قرار گرفت و او با نظریات خودش آنرا بسط داد . امروزه بندگان تو با رد باور های گذشته ، بیشتر فرضیه بیگ بنگ یا بفارسی مهبانگ یا ساده تر بگم ، انفجار بزرگ را باور دارند . بر مبنای این نظریه ، کهکشانها که زمین جز بسیار کوچکی از آنست ، پس از انفجار یک توده بسیار متراکم از ذرات اولیه که شرح آنها را دادم ساخته شد . راستی خدای بزرگ ، اگر کار انفجار بزرگ توسط شما صورت گرفته ، اون موقع کجا بودی و چگونه از خودت محافظت کردی ؟ چون ما برای یک آزمایش ساده انفجار بمب اتم صدها مورد حفاظتی را مراعات می کنیم .

از مطلب دور شدم ، ببخشید . بر میگردم به کتابی که شما برای محمد رو خوانی کرده اید .

سوره هود ، آیه هفت میگه : وهوالذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الما

او کسی است (یعنی شما) که آسمان و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود !!!

سوره ق آیه سی و هشت : ولقد خلقنا السماوات و الارض و ما بینها فی سته ایام و ما مسنا من لغوب

ما (یعنی شما) زمین و آسمان و آنچه بین آنهاست را در شش روز آفریدیم و خسته نشدیم !!!!!

در سوره فرقان ، آیه 59 ، انبیا ، آیه 30 ، سوره النازعات آیات 27 و 28 و 30 و 32 و سوره البقره ، آیه 29 حرفهای بالا را بکرات تکرار کردی . از خلال نوشته های خودت ، نتایج زیر دستگیر ما میشه :

عرش تو بر آب بوده

آسمان و زمین پیوسته بودند و شما آنها از هم جدا کردید

وقتی آسمان را ساختی ، کوه ها چون میخ په زمین فرو کردی تا

تیرک های آسمان باشد و آسمان روی زمین نیفتد .

اول کوه ساختی ، بعد زمین را با فراهم نمودن نعمت هایش به بشر

ارزانی داشتی

پس از ساختن زمین ، هفت آسمان را ساختی . آسمان چیزی جز

دود نبود

وظایف هفت آسمان را به آنها دیکته کردی
آسمان را مثل درخت کریسمس با ستاره ها چراغانی کردی
با اینکه در سوره ق گفتی خسته نشدی ، از روز هفتم تا امروز به
استراحت پرداخته ای .
خدایا وقتی این مزخرفات را به محمد دیکته میکردی ، خنده ات
نمی گرفت ؟

چرا آنقدر راجع به زمان آفرینش ضد و نقیض وجود دارد . بعد از
خواندن قرآن متوجه شدم که شما در درس ریاضیات بسیار ضعیف
هستید . شما میگوید : آسمان و آنچه بین آنهاست را در شش روز
آفریدید . بعد میگوید : زمین را در دو روز آفریدید و هفت آسمان را
در دو روز دیگر و کوه ها را در چهار روز . این که شد هشت
روز . چطور میشه که یکبار به پیامبرت اشو زرتشت میگی جهان
را در شش مرحله آفریدی ، تورات هم میگه شش روز ، ولی وقتی
به محمد میرسه ، میگی هشت روز .. چطور تورات میگه زمان
یک روز برابر با روز زمینی است ، ولی محمد میگه یک روز الله
(شما) برابر با هزار سال است (سوره الحج آیه 47 و السجده
آیه 5) بعد یک جای دیگه میگه : یک روز شما پنجاه هزار سال
است (سوره المعارج آیه 4) .

بیخود نیست که بنده های تو که گیجه گرفته اند . امروزه سر کلاس
درس تو ممالک پیشرفته به بچه ها آموزش میدهند که : نیروی
الکترو مغناطیس است که اتم ها را بهم متصل می کند و این نیرو
قدرت گسترده نامتناهی دارد و از طریق فتون ها عمل کرده و پرتو
ستارگان و کهکشانها از آنهاست ، نه اینکه از آنها برای تزئین
درخت کریسمس بخواهی استفاده کنی . فکر میکنی ، عیسی یا

موسی از نیروی جاذبه ، یا گراویتی اطلاعی داشتند . وقتی از روی
الاغ و یا اسب می افتادند ، به نیروی جاذبه توجهی نشان میدادند ؟
اونها از این نیرو برای از بین مخالفان خودشون که آنها را از بلندی
به پائین پرت میکردند ، سود می جستند . آیا اونا میدونستند که همین
جاذبه است که زمین و ستاره ها را در مدار خورشید و ستاره ها را
در مدار خودشون نگه میداره ؟ راستی خدای بزرگ چطور توانستی
این نیرو را طراحی و ایجاد کنی ؟ حالا که می بینی من به رمز و
راز تو پی بردم و چیز هائی را میدانم که هیچکدام از پیامبران قبل
از من نمی دانستند ، رضایت بده تا پیامبر شده و جهانی پر از صلح
و صفا و رفاه برای بنده هات بسازم . فکر ترور مرا از سرت
خارج کن . یاد آلبرت انیشتن می افتم که پس از کشف فرضیه
نسبیت ، خواست روی فرضیه همبستگی عظیم

Grand Unified Field Theory (GUFT)

کار کنه و سر از کار تو در بیاره که عزرائیل را بسراغش
فرستادی .

خدایا با ترور هیچ کاری پیش نمیره . نگاه کن ، یکی از فرستاده هایت
سید علی خامنه ای گدا را میگویم ، شب و روز آدم میکشه تا مثلا ارکان
حکومتش محکم و پا بر جا بمونه ، ولی جرات نداره با هزارتا محافظ
نیمساعت توی خیابون بیاد . روز به روز وضعیت جمهوری اسلامیش
خرابتر میشه . تو هم انیشتن را آرام کردی ، ولی آیا چیزی متوقف شد ؟

در سال 1983 میلادی ، من ، خودم در طرح تولید ذره زی در اعماق
زمین بین مرز فرانسه و سوئیس شرکت داشتم و در یک دستگاه عظیم اتم
-شتاب ، توانستیم ذره زی را که بنیان آفرینش تو در آن نهفته است را
ایجاد و از آن عکس بگیریم .

اگر شک داری میتونم عکسشو برات با فکس یا ایمیل بفرستم .
درسته که دستگاه اتم شتاب شما به اندازه کهکشانهای راه شیری است
ولی دیدید که ما هم توانستیم مشابه آنرا بسازیم . خدایا باور کن که در
طرح ساختن ذره زی حتی یک کشیش یا خاخام شرکت نداشت . راجع
به آخوند حرف نمیزنم ، چون اون فقط آگاهیش مربوط به یک وجب زیر
جلو و عقب ناف میشه .

خدایا اصلا میدونی که تمام مبلغین مذهب های بیشمار تو ، تنها بفکر
چاپیدن و فریب دادن بنده های تو هستند . اونها چنان شرایط را برای
بندگان تو تنگ و سخت کرده اند که اگه برات بگم ، یکماهی گریه می
کنی . بله را بگو تا من میان بر بزنی . من بنده های تو را با عبور از
بلاک هول و کوآسار ها به مرز ابدیت نزدیک می کنم تا به قدرت تو پی
ببرند . برای آنها در کهکشان جای جدیدی پیدا می کنم و کاری می کنم تا
بشر برای همیشه از شر مذهب راحت شود .

خدایا ، امروز دیگه مذهب و ایده لوژی کار نمی کنه . دوره مذهب و
دین بازی و چسبیدن به این و آن ایده لوژی گذشته . لطفا با من تماس
بگیر تا با رهنمود های شما ، راه تازه ای برای رساندن بندگان به نیک
بختی بیابیم . ما براحتی میتوانیم از راه شیری بگذریم . اصلا در شان و
مقام و منزلت شما نیست که وقت گرانبهای خودتان را صرف زمین و
راه شیری کنید . راه شیری تنها یکصد هزار سال نوری طول و ده هزار
سال نوری عرض داره ، اونم با اندک ستاره هایش که فقط

1500000000000000 عدد است . ما باید دایره ارشاد خودمان را
توسعه بدهیم . ما باید به سیاره های ویرگو کلاستر برویم که یک صد

میلیون سال نوری از ما فاصله دارند . تمام موجودات سیارات کهکشانی بیست و پنجگانه باید از رهنمود های شما بر خوردار شوند تا موجودات نابکار و شیاد بنام شما ، خودشان را فرستاده تو شناختگری نکنند .

خدایا تا بحال انگشت شصت دستت را جلوی چشمت گرفتی و به آسمان نگاه کنی . اگر نکردی ، اینکار را بکن ، آنوقت می بینی که پنجاه هزار سیاره تنها پشت انگشت مبارکتان پنهان است . تازه اینها سیاراتی هستند که از خودشان نور پخش می کنند . کلی ستاره داریم که قابل دیدن نبوده و تنها از طریق تلسکوپ های رادیویی قابل شناسائی هستند .

خدایا من میدونم که شما بر خلاف نوشته های کودکانه کتاب مقدس چقدر سخت کار می کنید . تو کتاب مقدس نوشته : شما پس از آفرینش آدم و حوا خسته شدید و به استراحت پرداختید . دوستم ، ادوین هابل با مطالعه کهکشانیها ، اونم با سود جوئی از تلسکوپ یکصد اینچی رصد خانه مونت ویلسن متوجه شد که کهکشانیها بسرعت از زمین و از یکدیگر فاصله میگیرند . این کشف ثابت کرد که کهکشانیها در حال توسعه هستند . این تلاش شما قابل ستایش است . یک فرد ، باید این همه تلاش و فداکاری را بگوش جهانیان برساند ، بدون آنکه ، مردم را سر کیسه کند و آن فرد منم خدایا ، دمت گرم . پیش از آنکه بیگ بنگ را راه بیندازی ، از 15 تا 20 میلیارد سال پیش دست بکار شدی تا ابتدا کهکشانیهای دیگر را بسازی و بعد لطفت شامل راه شیری و زمین بشه . من مانده ام : چطور پس از بیست میلیارد سال تلاش ، زمین نظر کرده شما شده ؟ و هر سیزده دقیقه به سیزده دقیقه پیامبر برای ارشاد بندگان فرستادی ، اونم در صحرای

بی آب و علف و برهوت حجاز . راستی خدای بزرگ ، نکند در سایر سیارات همین بازی پیامبر سازی را راه انداخته ای که در آنصورت ، کار من بسیار سخت خواهد شد .

خدایا طی 12 میلیارد سال گذشته ، این همه اتم های هیدرژن را کجا انبار کرده بودی که بعد تصمیم گرفتی تحت تاثیر نیروی جاذبه بصورت خوشه انگور در بیاری و وقتی فشار و درجه حرارت در عمق و مرکز این خوشه به درجه بحرانی رسید ، اتم های هیدرژن را در هم فرو کنی و از آنها هلیوم بسازی که این خوشه انگور ناگهان تبدیل به یک گلوله آتش هسته ای بشود .

خدایا شما چگونه خودتان را در مقابل تشعشعات اتمی حفظ کردید ، بما آنرا یاد بدهید . اینجا وقتی ما میخواهیم یک بمب اتمی چسکی را آزمایش کنیم ، صد ها سپر حفاظتی برای خودمان میسازیم . حال آزمایش ما را با ساختن بیگ بنگ مقایسه کنید .

خدایا چقدر دلم میخواد ، وقتی شما یک ستاره را نابود می کنید ، در کنارتان باشم و ببینم .

خدایا آیا شما از فرمول معروف انیشتن $E=mc^2$ Mass-energy equivalence استفاده کردید ؟ میشه یکبار که حوصله داشتی Dark Region یا منطقه سیاه را که ورای کو آسار هاست نشانم دهی ؟

اون موقع که بیگ بنگ را راه انداختی و درجه حرارت اولیه 1300 میلیون درجه بود . شما چیزیتون نشد . نسوختید ! درجه سوختگی بدنتان چند بود ؟ لباستون از چه چیزی درست شده بود ؟ اینها را می پرسم تا اگر از بین هفت میلیارد بنده های شما در زمین کسی این سؤال را کرد

بتوانم پاسخگو باشم. وقتی به ارقام انفجار بزرگ فکر می‌کنم که از نظر زمانی همشون از یک میلیارد تریلیوم ثانیه و یک میلیونیم ثانیه و در بخش طولانی تر آن یک هزارم ثانیه بوده ، چطور کتاب مقدس ، اینقدر این زمان را طولانی نوشته . کتاب مقدس شما میگه : جنابعالی همه چیز را در 6 روز آفریدید . 6 روز یعنی 144 ساعت ، یعنی 8640 دقیقه و به عبارتی 518400 ثانیه . این رقم را با یک میلیونیم ثانیه مقایسه کنید حتما خنده تان میگیرد .

خدایا من میدونم که شما چقدر سخت کار می کنید و براتون بیست و چهار ساعت معنی نداره . شما که اینقدر بفکر ساختن کهکشانها هستید ، میبایستی یک مقداری هم به اخلاقیات بنده هاتون و خصوصا نمایندگان خودتون توجه نشان بدهید . اگر این مهم را به من واگذار کنید ، کلی از بار مسئولیت هاتون کاسته میشه و اون وقت با خیال راحت برید دنبال ستاره ساختنتون .

تاریخ چند هزار ساله بشر نشان میده ، از روزی که شما از پیامبران خود غافل شدید و به کهکشان اندرومدا رفتید تا راه شیری ما را حفظ کنید ، فرستاده های شما دنیا را به گه کشیدند . بنام شما و برای شما میلیون ها تن را قصابی کردند و برای خودشان کاخ و قصر و واتیکان و... ساختند . یه چلغوزش ، یعنی خمینی مقبره ای برای خودش ساخته که بزرگترین مکان مذهبی در جهانیه . یک مرده تو ، جای یک و نیم میلیون مرده دیگر را گرفته . خدایا ، فرستاده های تو روز به روز اعیان تر و بنده های فقیر تر ، روز به روز فقیر تر میشن . اونم چه فقری : فقر مالی در کنار فقر اندیشه !

خدایا زمان مذهب و ایده لوژی گذشته . مذهب جز بدبختی ، هیچ چیز دیگه به همراه نداره

به پیامبرت ، موسی اشاره می کنم که چطور یک هیزم شکن فقیر را بخاطر کار در روز شنبه سنگسار کرد . نگو ، خبر نداری ! خودت در سفر اعداد ، باب 15 ، بند های 32 تا 38 نوشتی . راست است ، وقتی هیزم شکن را پیش موسی بردند و موسی آن بدبخت را بخاطر سیر کردن شکم زن و بچه اش به زندان انداخت و کاغذ پاره های خودش را زیر و رو کرد تا مجازات او را تعیین کند و چون چیزی پیدا نکرد ، از تو پرسید و تو گفتی : سنگسارش کنید !!!! . شیمان یو !!!!

خدایا ، تاریخ ادیان تو تنها از جنایت و آدم کشی پر شده . وقتی موسی از قول تو ، مردان ساکن مدیان را قتل و عام کرد ، شهرهایشان را به آتش کشید و حتی به کودکان آنها هم رحم نکرد ، چه احساسی داشتی ؟ نکنه مثل خر کیف میکردی ؟ آیا در دین یهودیت از زمان موسی تا به امروز جز مرگ و خون و خون ریزی

چیز دیگری دیده ای؟ امروزه از زمان شکل گیری دولت اسرائیل، روزی نیست که خون یهودی و مسلمان به زمین ریخته نشود.

خدایا تمام پیامبران تو یا قاتل بودن و یا دزد و یا هردوشون. از موسی گرفته که بر پایه بند های 37 تا 40 سفر اعداد باب 31 عهد قدیم، مال و منال ملت ها را غارت میکرد و خود آنها را می کشت، تا محمد گردنه زن که بیست درصد تمام اموال غارت شده توسط سپاهیان مال او بود (سوره طلاق، سوره انفال و سوره حشر).

وقتی نوشته های تو را در سفر خروج، باب 20، بند 5 می خواندم، به نکته ای بر خوردم که وجود تو و شعور تو را زیر سؤال میبرد. در آنجا نوشته بودی: تو، نباید خدایان دیگر را پرستش کنی!!!! زیرا که من، خدای تو هستم. من خدائی غیرتمند هستم!!! که انتقام گناه پدران را از پسران آنها تا پشت سوم و چهارم میگیرم!!!!!!

مگر در آن زمان، غیر از شما خدایان دیگری هم وجود داشتند؟ چرا مانیفست آنها را از بین بردی که ما، آنها را نشناسیم، ندانیم آنها چه گفته اند؟ شاید ما، آنها را انتخاب میکردیم و امروزه یهودی، مسیحی و یا مسلمان نبودیم. ما که از این ادیان سامی تو جز بدبختی، هیچ چیز عایدمان نشد، شاید با گزینش اون خدایان، وضعمان بهتر میشد.

با این اعتراف، دین توحیدی یهودیت، یعنی کشک.

خدایا امروزه پایه و بنیان حقوق جزا در کشور های آزاد و پیشرفته، تغییر کرده. امروزه تا جرم کسی ثابت نشه، اونو مجازات نمی کند. اون حق گرفتن وکیل داره، اونو به قید وثیقه آزاد می کنند. در جریان داد رسی خودش و وکیلش به دفاع بر می خیزند. بعد نوبت به هیت منصفه میرسه. اگر هیت منصفه اتهام را رد کنند، قضیه تموم میشه. اگر محکوم بشه، فرجام میخواد. نه اینکه کشکی به قاضی شرع حکم بده و دو دقیقه بعد متهم سر دار باشه. خدایا زمان قانون های زنگ زده تو گذشته. امروز نمیتوانی پسر را بجرم پدر بگیری.

خدایا زمان تهدید های فاشیستی گذشته : مار غاشیبه ، شیره درخت زقوم ، چرک
و استفراغ بخورد بندگان دادن ، آتش و هیزم نیمسوز کردن به کون بندگان ،
باور کن این حرفها خجالت دارد. در سفر لاپیان باب 26 بند های 14 تا 32
نوشته ای : گرگ و شغال میفرستم تا بچه های شما را بخورند !!!!!!!!!!!!! فکر
نکردی ، وقتی این تهدید کس خلانه را میدادی ، پدر و مادر بچه با داس و تبر و
نیزه ، خواهر و مادر گرگهای تو را بعله !!!!

خدایا مگر بندگان تو آدمخوار بودند که گفتی : کاری می کنم تا مردم ، پسران و
دختران خود را بخورند !!!

خدایا یادت هست ، به شائول دستور دادی تا قوم عمالیق را در فلسطین نابود کند
و او اینکار را کرد ، ولی چند تا گاو و گوسفند را نکشت و برای خودش
نگهداشت و وقتی تو متوجه شدی ، اونو و پسرانش را کشتی. تو حتی به پیامبران
خودت هم رحم نکردی .

وقتی موسی برای دیدن تو به کوه سینا آمد و تو ده فرمان را به او دادی و او بر گشت و دید برادرش هارون ، گوساله پرستی راه انداخته ، بجای مجازات هارون دستور دادی تا 23 هزار تن را قصابی کنند . وقتی یکی از بندگان یهودیت با یک زن اهل مدیان خوابید ، حضرت تعالی 24 هزار تن از پیروان و بنده های بینوا را که حتی خواب زن مدیانی ندیده بودند ، از دم تیغ گذارندی . چطور این کار را کردی در حالیکه ، خود پیامبرت ، یعنی موسی با یک زن مدیانی ازدواج کرده بود . چطور زن مدیانی برای موسی حلال است و برای بنده های دیگر حرام درست حکایت ، پیامبر زنباره ات ، محمد است که برای همه گرفتن چهار تا زنرا مجاز میدانست ، ولی برای خودش ... تا بینهایت !

خدایا لازم شد تا یک نسخه از کتاب فلسفه تاریخ ولتر را برایت بفرستم تا بدانی چه جنایاتی توسط پیامبرت موسی بنام تو صورت گرفته :

23 هزار یهودی بجرم گوساله پرستی در صحرای سینا قتل و عام شدند.

15 هزار یهودی در شورش قارون بر ضد موسی در آتش سوزانده شدند .

24 هزار یهودی به سبب ارتکاب زنا با دختران قوم مادیان ، شکمشان دریده شد.

42 هزار یهودیانی که در گلوگاه رود اردن نتوانسته بودند واژه مقدس شیبولت را بر زبان بیاورند ، قتل و عام شدند . درست مثل اینکه ، چند هزار تریاکی را جمع کنی و از آنها بخواهی بگویند : سوسک . خوب همشون میگن : شوشک

یعنی باید همشونو بکشی ؟

85 هزار یهودی که بوسیله بنیامینی ها قتل و عام شدند و خود آنها نیز بوسیله قبائل دیگر یهودی به قتل رسیدند . شرح تمام این فجایع در تاریخ قوم یهود ، وجود دارد.

50 هزار یهودی که بر خلاف خواست تو ، دزدکی به صندوق میثاق نگاه کردند و تمامشان بخاطر خشم تو به بواسیر حاد دچار شدند !!!!! طوری که راست روده

که هیچی ، روده بزرگ آنها از کونشان بیرون زد .. آره ، تنها یک رقم 240 هزار یهودی سر هیچ و پوچ و فقط بخاطر عرض اندام تو و پیامبرت موسی به قتل رسیدند .

خدایا : هیچ توهین و ناسزائی برای بشر فهیم ، بالاتر و سهمگین تر از آن نیست که نیروی اندیشه و درایت او نادیده گرفته شود . تو و پیامبرانت چه کردید که بشر با شعور و درایت و فکر کردن فاصله بگیرد . امروز ، زمان اندیشیدن است یک فرد وقتی فکر می کند ، به او احساس هستی دست میدهد .

خدایا هزاران سال است که تو فقط گوسفند آفریدی ، گاو پرورش دادی و بنا حق بر تعداد حقیقی چهار پایان اضافه کردی . از یک طرف گوسفند آفریدی و بعد در لباس پیامبری ، گرگ هایت را بجان مخلوقات چهار پایت انداختی .

خدایا تمام پیامبرانی که تا امروز فرستادی ، برای تامین سود شخصی ، بند گانت را از گوهر اندیشه و شعور و فهم محروم کردند . دانش معرفت شناسی بین خرد پویا و خرد سنتی تفاوت میگذارد . خرد پویا عبارتست از : آگاهی و روشن بینی نسبت به خود و جهانی که در آن زندگی می کنیم و داوری بین درست و نادرست و پیروی از راه های منطقی برای پیروزی در زندگی . برای در آغوش گرفتن آرامش و آسایش و پیشرفت . اما ، خرد سنتی که یک عامل ذهنی وارداتی است که به خود انسان وابستگی نداشته و بوسیله سایر افراد به او منتقل میشود . سر چشمه خرد پویا از دانش ، آگاهی ، روشن بینی ، فهم و تجربه های زندگی فردی است ، در حالیکه خرد سنتی از محیط پیرامون انسان و بدون اینکه در سنجه آگاهی ، فهم و درک او ، پالایش شود به وسیله دیگران در مغز او حک میشود درست مثل یهودی بار آمدن کودک در خانواده یهودی و یا مسلمان بار آمدن کودکان در دامان مادران مسلمان . امروز ، زمان پاره کردن یوغ های سنتی است مردم ، خدا را آنطور که هست باید بشناسند ، نه آنطور که آخوند ، خاخام و یا کشیش میگوید . زمان قطع بند ناف ، انتقال مذهب از پدران و مادران به کودکان رسیده .

خدایا ، چندی پیش رئیس جمهور تاجیکستان ، عبدالرحمن اف ، طرحی را به مجلس ارانه داد و به تصویب رساند که افراد تاجیک تا سن هیجده سالگی نمی توانند تحت فشار والدین و یا معلمان ، به باور مذهبی تسلیم شوند . خدایا ، اینکار چقدر زیبا و عقلانی است ، هر چند من عقیده دارم که زمان دین و ایده لوژی گذشته . خوب اینکار برای شروع بسیار پسندیده است . قدر مسلم اگر جوانی تا سن هیجده سالگی مذهبی بار نیاید ، شانس بسیاری وجود دارد که تا آخر عمر گرد مذهب نگشته و خودش را از شر دین و مذهب رها سازد .

خدایا ، باور کن : تا امروز هیچ چیزی غیر از مذهب خون بنده های تو را نریخته است .
میدونم اهل منطق هستی ، از این روی مقداری سند رو می کنم :

جنگ های سی ساله بین پرو تستان ها و کاتولیک ها ، از سال 1618 تا 1648 با 11/5 میلیون کشته .

جنگ های دینی در فرانسه بین پرو تستان ها و کاتولیک ها از 1562 تا 1598 میلادی با 4 میلیون کشته .

جنگ داخلی نیجریه بین مسیحی ها و مسلمانان از 1967 تا 1970 با 3 میلیون کشته .

جنگ های صلیبی بین مسیحی ها و مسلمانان از 1095 تا 1291 میلادی با سه میلیون کشته .

جنگ داخلی لبنان ، بین سنی ها ، شیعه ها و مسیحی ها از 1975 تا 1990 با 250 هزار کشته .

جنگ داخلی سوریه بین سنی ها و شیعه ها در حال حاضر با 300 هزار کشته .

کشتار ارمنه بدست ترکهای مسلمان در دو نوبت : بار نخست بفرمان سلطان عبدالحمید دوم با 600

هزار کشته و بار دوم توسط ترکهای جوان در سال 1915 میلادی با 1/5 میلیون کشته .

خدایا از فجایعی که پیامبر آخرت و باز ماندگان او در مورد ایرانیان روا داشتند و هنوز هم ادامه دارد

هزاران سند و نوشتار و مدرک بجا مانده . از سده هفتم میلادی ، حمله های پراکنده مسلمانان به هند

توسط حجاج ابن یوسف ثقفی ، فرماندار اموی عراق بر نامه ریزی شد و از سده 11 تا 17 بمدت 800 سال شبه قاره هند به دست مسلمانان افتاد و هندی ها زیر ستم دینی مسلمانان زندگی غیر قابل تحملی را گذرانیدند . زمانیکه سردار حجاج ابن یوسف ، محمد ابن قاسم در سال 712 میلادی وارد شهر

برهمناباد **Brahminabad** شد ، سر 16 هزار هندی را از تن جدا کرد . در سده 11 ، هندوستان بطور کامل به تسخیر مسلمانان و شخص محمود غزنوی در آمد . در زمان این پادشاه ، هندوستان با خاک یکسان شد . تنها در نبرد سو منات ، مسلمانان ، 50 هزار هندی را گردن زدند .

مذهب غیر از کشتار و ویرانی و واپسگرانی ، هیچ سودی برای بندگان تو نداشته و ندارد . ملت هایی که توانستند ، سیاست را از مذهب جدا کنند ، پیشرفت کردند و آنهایی که نتوانستند ، هم چنان در جنگال مرگبار دین دست و پا میزنند .

خدایا امروزه بخاطر سیاست های دولت های چپاولگر غربی و حافظ مذهب اسلام ، دموکراسی آن چنان سقوطی داشته که در تمام طول تاریخ معاصر دنیا بی سابقه بوده است .

خدایا لطف کرده و یک نگاه به کشور های مسلمان بینداز . یکی پس از دیگری بد بخت تر و مفلوک ترند . در این کشور ها دزدی ، فقر ، فحشا ، اعتیاد ، رشوه و خشونت پیدای می کند . از دانش و آگاهی خبری نیست ، هر چه هست تنها شارلاتانی و حیانت است ، وطن فروشی است ، چپاول و غارتگری است . در این کشور ها ، خرافات چنان گنوی بندگان تو را میفشارد که گویی همین الان جان به جان آفرین ، یعنی تو ، تسلیم می کنند . این سرزمین های نفرین شده ، تنها جایگاه روباهان مقدس دستار بند

و گروه های تروریستی : داعش ، القاعده ، طالبان ، بوکو حرام ، جبهه نصر ، الشیاب ، انصار شریعه

حزب الله ، حماس ، شبکه حقانی ، جنبش فتح ، جیش العدل ، جماعت توحید و سپاه قدس و سپاه پاسداران و بسیجی های جمهوری اسلامی ایران میباشد .

ابر قدرتها ، عاشق سینه چاک اسلام هستند . مسلمانان احمق با مغز های صفر کیلو متر بهترین وسیله برای پیشبرد مقاصد سلطه گر و چپاولگر آنها هستند . سازمان القاعده و رهبرش ، اسامه بن لادن که به نوعی مادر تمام گروه های تروریستی شناسایی شده ، با حمایت آمریکا در دهه هشتاد میلادی به وجود آمد

این سازمان ، نخست ، تحت نام مکتب الخدمه با هدف آموزش پشتیبانی و تجهیز مجاهدین عرب در جنگ با روسیه شروع به کار نمود . ماموریت ابلاغ شده توسط آمریکا و عملکرد این سازمان باعث شد تا شوروی از افغانستان خارج شود . در سپتامبر 2001 ، وقتی تروریست های مسلمان به برج ها دو قلوی مرکز تجارت در نیویورک حمله کردند ، ارتش آمریکا به افغانستان حمله کرد و نه تنها القاعده از بین نرفت ، بلکه رشد سر طان گونه تروریست های مسلمان جهان را فرا گرفت . خدایا میدونی که القاعده با موساد و سازمان سیا آمریکا در انهدام بر جهای دوقلو همکاری کردند تا بهانه ای باشد برای اشغال افغانستان ! در آغاز جنگ ، القاعده ، طالبان را در مقابل قوای ناتو تنها گذاشت . اسما ، طالبان سقوط کرد ولی می بینی ، هنوز هم فعالند . در حمله آمریکا به عراق ، باز سناریو تکرار شد و باز می بینی که القاعده در عراق ، همراه با نام تازه ی داعش ، جنگ تمام عیار بین شیعه و سنی و کرد را راه انداخته است .

گروه تروریستی نصر یا جبهه نصر ، از مهمترین گروه های ضد بشار اسد در سوریه است که توسط آمریکا حمایت میشود .

خدایا سائهاست که خاورمیانه رنگ خون گرفته ، جز صدای نفیر گلوله ، هیچ صدایی که نشان از زندگی داشته باشد شنیده نمی شود . روزی صد ها تن بر اثر انفجار بمب تکه تکه میشوند . شیعه ها و سنی ها هم دیگر را پاره می کنند و دنیا این همه وحشیگری را می بیند و دم نمی زند . خدایا ، تو هم که این همه جنایت را می بینی چرا صدایت در نمی آید؟

خدایا وجود تو ، عملکرد تو ، میتواند خارج از محدوده جنگ و خون ریزی باشد ! فکر کن ، تو یک خدای خوبی باشی که تمام فکر و ذکرت راجع به آرامش و آسایش و شکوفا شدن بندگانت است . بیا و یکبار هم که شده ، خدای جبار و ستمکار نباش ، نخواه تا بندگانت را بترسانی ، تو که دراکولا یا فرانکشتن و یا زومبی نیستی .

همانطوریکه زمان دین گذشته ، جانی برای بیان ایده نوژی جدید نیست . ایده نوژی های مختلف از چپ افراطی تا راست افراطی ، از کاپیتالیسم تا کمونیسم و سوسیالیسم ، همه باعث بدبختی بشر بوده و هستند .

جنابعالی ، حتما راجع به بندگان ناخلفت : هیتلر ، پول بوت ، استالین ، و آگاهی های لازم را داری ؟

برام از استالین بگو ! که در سال 1922 میلادی ، وقتی به مقام دبیر کلی حزب کمونیست رسید ، دست به تصفیه تمام مخالفان خود زد . برام بگو ، چطور دستور داد تا گندم و غذا را از مردم شوروی بگیرند و قحطی مصنوعی درست کنند ، و دهقانهای بدبخت را با زدن بر چسب گولاگ ، قتل و عام کنند .

استالین با پیش آوردن قحطی مصنوعی ، تنها در اکراین ، ده میلیون تن را به کشتن داد . استالین مسئول مستقیم اعدام 800 هزار روس است . اگر گولاگ ها کنار این رقم بگذاریم ، دست های استالین به خون سه میلیون روس آغشته است . وادیم ارلیکمان ، نویسنده روس اعتقاد دارد : کسانی که به دست استالین کشته شدند 9 میلیون تن بوده اند : 5/1 میلیون اعدام ، 5 میلیون گولاگ ، 1/7 میلیون قربانی تبعید دسته جمعی و زیر یک میلیون تن دیگر در رابطه با مسائل مختلف به قتل رسیدند .

خدایا ، جهان تو از جنایات ایده لوژی انباشته است . پول بوت را بیاد آر که رهبر خمر های سرخ کامبوج بود . او در مدت چهار سال زمامداری خمر های سرخ ، 25 درصد مردم کامبوج را قتل و عام کرد . کشوری که 8 میلیون سکنه داشت ، پول بوت 2 میلیون تن از آنها را در کشتزار های مرگ به رگبار بست و روی آنها خاک ریخت . پول بوت و خمر های سرخ ، در 17 آپریل 1975 پایتخت کامبوج را تسخیر کردند و نام جمهوری کامبوج بر آن نهادند . پول بوت تمام مخالفان خود را با انواع شکنجه نظیر : کشیدن ناخن ، خفه کردن تدریجی در آب ، کندن پوست بدن و نهایتا تیر باران از بین برد . او مردم کشورش را به سه گروه تقسیم کرده بود : گروه اول ، افراد کاملا راست گرا ، گروه دوم ، کاندیدا ها و گروه سوم ذخیره ها ! این گروه سوم بود که به منظور نابودی در کشتزار ها ، لیست بر داری شده بودند . پول بوت از رادیو کامبوج مرتب ادعا میکرد که برای بازسازی مزارع اشتراکی به تعداد یک تا دو میلیون کشاورز و مردم عادی نیاز دارد و مابقی مردم کامبوج ، طفیلی و سر بار هستند ! کامبوجی های تیره بخت که تحت نام ذخیره ، طبقه بندی شده بودند در مزارع مرگ با دست خودشان ، گور های دسته جمعی شان را کردند . سر بازار خمر سرخ با چکش و پتک به مغز آنها میکوبیدند و در بیشتر موارد آنها را زنده زنده دفن میکردند . پول بوت به همین ترتیب تمام اقلیت های مذهبی کامبوج را کشت . مدرسه و تحصیل را ممنوع اعلام کرد و مالکیت اشتراکی را مد کرد .

کودکان را با تعلیمات و مغز شونی کمونیستی بزرگ کرد . ارتباط کودکان را با والدینشان قطع نمود .

خدایا : پول بوت در 15 آپریل 1998 میلادی در گذشت ، ولی با مرگ او ، آیا از میزان جنایات ایده لوژی - مذهبی کاسته شد ؟ آیا میتوانی چشم هایت را ببندی و راحت از کنار جنایات آدولف هیتلر رد شوی ؟ آیا سالهای سیاه 1933 تا 1945 را به یاد میآوری ؟ از هلو کاست که احمدی نژاد رئیس جمهور سابق جمهوری اسلامی ایران ، آنرا انکار کرد چه میدانی ؟ مرگ 6 میلیون تن از زنان و مردان و کودکان یهودی و همین طور قتل و عام میلیون ها تن از کمونیست ها ، همجنسگرایان و عقب مانده های ذهنی ، معلولین و اسرای جنگی روس و بیماران روانی . آیا از اقدامات و جنایات فاشیست ایتالیا ، موسولینی چیزی بخاطر داری ؟

موسولینی در سال 1922 میلادی ، زمانیکه حکم نخست وزیری را از پادشاه ایتالیا گرفت به مردم ساده لوح آن زمان گفت : من ، می خواهم عظمت رم باستان را به ایتالیا برگردانم ! او به خودش لقب دوچه یا پیشوا داد و بلافاصله سازمان هوشیاری و سرکوب را تشکیل داد . این سازمان که بطور مخفف

OVRA

نامیده میشد ، درست شبیه سازمان گشتاپو آلمان بود . موسولینی در 1911 لیبی را اشغال کرد و در سال 1936 به حبشه حمله نمود و هایلنه سلاسی پادشاه آن کشور را مجبور به فرار نمود . با اینکه سازمان ملل متحد ، موسولینی را محکوم کرد ، ولی او بی اعتنا به رای سازمان ملل ، ایتالیا را از مجمع سازمان خارج کرد .

خدایا ، یکی از درخواست های من بعنوان پیامبر تو ، بستن در سازمان ملل است . یکی از دلایل من ، همین ماجرای موسولینی است . این سازمان بیشتر شبیه یک تاتر خیمه شب بازی است تا یک سازمان جهانی . در کنار بستن و گل گرفتن در سازمان ملل ، یک خواهش دیگر هم دارم و آن : گرفتن حق و تو از کشور های قلندر است . فکرش را بکن ، کشوری مثل ایران با حکومت کردن مشتی دستار بند بر آن

هر غلطی که می خواهد ، می کند و وقتی مسئله تحریم پیش می آید ، چینی ها و یا روس ها که منافع زیادی از این کشور اسلام زده دارند و میبهرند ، تحریم های سازمان ملل را وتو می کنند .

خدایای عزیز و آقا : تا امروز ایده لوژی دوشادوش مذهب آدم کشته ، شهر ها ویران کرده و تمدنها نابود ساخته . زمان آن رسیده تا در این دکان ترسناک و نفرت انگیز بسته شود .

خدای مهربان ، با انتخاب من بعنوان پیامبر ، برای همیشه تبعیض نژادی و جنسیتی ریشه کن میشه . کاری می کنم تا سیاه و سفید ، زرد و سرخ همه از حقوق یکسان برخوردار شوند . نیمی از بندگان تو که زن هستند ، بعنوان بشر شماره 2 شناسایی میشوند . ارزش آنها در حد کالا است . در بیشتر جوامع ، تنها اسباب لذت مردان و کارخانه بچه سازی هستند . هر ساله در کشور های اسلامی هزاران تن از زنان و دختران زیر خشم و غیرت!!!! مردان ، تحت نام ، ناموس بقتل رسیده و یا خودکشی می کنند .

در طول تاریخ ، همواره به زنان اجحاف شده است . نقش پیامبران پیش از من ، در این تراژدی از همه بیشتر جلوه گر است . خدایا آیا با اجازه تو ، گفته اند : زن ضعیفه است !!! نصف مردان باید ارث ببرد .

شهادتش نصف مرد ارزش دارد . بدون اجازه پدر و یا بزرگ خانواده ، حق گزینش جفت ندارد . بدون خبر قبلی ، میتوان او را طلاق داد و به کوچه انداخت . چرا برای زنانی که حامله هستند و شرایط مناسب برای آوردن طفل ندارند ، سقط جنین ممنوع است . خدایا میدانی صیغه و متعه چیست ؟

آیا محمد راجع به آنها با تو صحبت کرده ، اگر کرده ، چرا تویی دهانش نزدی !!! و بگوئی : تو می خواهی از بندگان من فاحشه بسازی ، تن فروشی راه بیندازی . تکلیف بچه ای که این وسط ساخته میشه چیست ؟ خدایا تو که نمی خواهی هر روز بر تعداد کودکان خیابانی اضافه شود . حکومت های اسلامی هیچگونه کمکی به زنان باردار صیغه ای نمی کنند . چرا باید سیستم اجتماعی بشکلی باشد که مادر کودکش را سر راه بگذارد . آیا حیوانی با بچه اش این کار می کند که بندگان تو آنرا انجام میدهند . خدایا یک جای کارت لنگ میزنه ، خرابه ، بیا تا با هم حلش کنیم . من شرایطی ایجاد خواهم کرد تا جلوی تمام این فجایع گرفته شود . چرا در دین اسلام با این همه شعار و دریائی از صندوقه ، یک ریال به مادران مجرد کمک نمی شود . در دین شریعت مداران تو ، مادر مجرد یعنی فاحشه . در کشور اسلام زده من ، اگر زنی از خودش دفاع کند و مرد مهاجم را بکشد ، قصاص میشود . میدونی قصاص چیه ؟

آره اونو بجرم دفاع از شرف و ناموس و جسم و روحش بدار می کشند . چرا نباید مو لای درز مرد سالاری ادیان سامی تو نرود ؟ در تمام ادیانی که تو درست کردی ، ضدیت با زن بشکل دهشتناکی بچشم میخورد . در پاکستان اسلام زده ، هر ساله 500 کودک سر راه گذاشته میشود که 490 تن از آنها دخترند .

چرا باید به مرد زنیاره اجازه داد تا در سن هفتاد سالگی با یک دختر 13-14 ساله ازدواج کند . چرا به پدر و یا برادر یک دختر اجازه میدهند تا به صرف سو ظن او را بکشد و راست راست راه بروند؟

با انتخاب من ، برای همیشه بساط جامعه سنتی و واپسگرا بر چیده میشه . قوانین مدنی را با کمک خیر اندیشان آگاه و متخصص ، مطابق دانش روز جهان ، نه دانش قبیله ای نوشته و اجرا می کنم . قوانین موسی و عیسی و محمد بدره عمه شان میخورد . زن ، کالای مرد و اسباب خاتمه نیست . یک روز باید ننگ مرد سالاری را از جوامع بشری پاک کرد . چرا باید وجود بکارت یا نبود آن مهم باشد که زن را بخاطر داشتن و یا نداشتن آن قیمت گذاری کنند . مگر زن کالا است که تو و یا دست دوم باشد ؟

آیا رسم شرم آور پیامبران پیش از من که شب عروسی ، دستمال خونی عروس خانم را نشان والدین دختر و پسر میدادند ، حالت را بهم نمی زند ؟ خدایا ، مردان زن میگیرند که شریک زندگی ، غمخوار و دوست و شفیق داشته باشند ، همانطوریکه زن اینکار را با گزینش مرد بعنوان همسرش انجام میدهد .

ازدواج که خرید هندوانه نیست که به شرط چاقو باشد . ازدواج یک روند اجتماعی است که به هیچ دین و مذهبی ارتباط ندارد . حالا چطور میشود که این وسط سرو کله فرستاده های تو پیدا میشود ، من نمی دانم

خدایا ، آیا تو به موسی گفتی : شب عروسی اگر دختری باکره نبود ، باید سنگسارش کرد ؟ اگر چنین حرفی صحت داشته باشد ، باید در افکار تجدید نظر کنی ، چون در غیر این صورت آیمان به یک جوی نمی رود . آیا این شرم آور نیست که در کشور های مسلمان نوزاد دختر را ختنه کنند ؟ تا اصطلاحا از تماس جنسی لذت نبرد !!!! در مصر و سومالی با در صد بسیار بالا و در 26 کشور عقب مانده مسلمان دیگر دختران را ختنه می کنند . خدایا من از حق و حقوق 130 میلیون دختر و زن آفریقائی دفاع می کنم که آلت تناسلی آنها را قطع می کنند . بیا و با هم صادق باشیم ، البته من از خودم مطمئن هستم . روی چه فکر و انگیزه ای به پیامبران پیش از من گفتی : زن یک کالا است و در هر شرایطی باید مطیع همسرش باشد و از او در مقابل هر عمل درست و نادرست اطاعت و فرمانبرداری کند . مگر زن حیوان چهار پا است که باید مطیع باشد ؟ پیامبران احمق تو فکر میکردند : زن سرکش و مغرور ، زن بدی است . پیامبر آخر تو که شورش را در آورد و در امر فرمانبرداری زن از مرد گفت : هر وقت مرد با زنی میل جفت گیری پیدا کرد ، زن باید پا هایش را باز کند ، اگر چه بر پشت ستر سوار باشد . خدایا اون موقع ها که کمر بند ایمنی نبود ، محمد فکر نمیکرد که زن نگون بخت از اون بالا اگر بیفتد ، دست کم یک جایش می شکند .

آنچه امروز به بشر هزاره سوم که با کوهی از مشکلات و بدبختی ها مواجه است رسیده ، تمامی از آموزش های احمقانه ادیان سامی توست . خدایا ساده بهت بگم : مذاهب ابراهیمی تو باعث ننگ بشریت است . در مذهب عیسی و در کتاب مقدس می خوانیم : زنان باید از شوهران خود فرمانبرداری کنند ، هم چنان که مسیح از خدا فرمانبرداری کرد . چرا ؟ چون شوهر رئیس زن است !! ، همانطوریکه مسیح ، رئیس کلیسا است !!! حرفها خنده دار نیست ؟ در اسلام نیز بر اساس نص صریح هجو نامه قرآن می خوانیم : مردان را بر زنان حق تسلط و نگرهبائی است ، چون مردان از زنان برترند !!!!!!! زنان نافرمان را نخست بپند دهید و از خوابیدن با آنها دوری جویند !!!!!!! و در صورت ادامه نافرمانی ، آنها را بزنید !!!!!!! و چون اطاعت کردند ، روزی دو سه بار و شبی سه - چهار بار با آنها جفت گیری کنید !!!!!!! و بر آنها ستم روا ندارید (البته قرآن کجیم نگفته منظور از ستم چیست ، چه بسا ، منظور قرآن این بوده که از زل های پرسنال لوبری کنت استفاده شود) . سوره نسا ، آیه 34 .

در هند ، بنا به آموزش های هندونیسیم از زنان انتظار میرود با شوهرانشان مثل خدا رفتار کنند !!!!!!! یعنی زن بنده شوهرش میباشد !!! بنا به احکام مذهب مانوی ، زن هیچگاه نباید در اختیار خودش باشد . او در کودکی باید در اختیار پدر و در جوانی تحت اراده شوهر و وقتی شوهر پیر شد در اختیار و تحت اراده پسرانش باشد !!!!! در این مذهب عقب مانده ، مثل سایر مذاهب تو ، اگر شوهر فاسد و بد رفتار هم باشد ، رب النوع مورد پرستش زن است !!!!!!!

در مذهب کنفوسیوس در چین ، زن مثل زمین است ، باید پست و افتاده باشد ، با رفتاری تسلیم طلبانه ، به اضافه مزخرفاتی که در مذهب مانوی راجع به زن خواندیم.

خدایا ، وقتی پیامبرت گفت : هرگاه مردی ، زنش را صدا کرد و گفت : بیا و بده ، حتی اگر سر اجاق مشغول پخت و پز باشد و یا بر گرده شتر سوار و زن باید بلافاصله کفگیر را زمین بگذارد و یا به شتر بگوید به ایست تا من بدهم ، چیزی به پیامبر مریضت نگفتی . آخه این چه سیاستی است که نشان پیامبرانت دادی ؟ برای مطیع کردن زنان یا وعده بهشت دادی و یا متوسل به تهدید های سادیسمی شدی . محمد ، پیامبر عزیز کرده تو که تو را تا سطح خانم رنیسی پانین کشید در هجو نامه قرآن در سوره احزاب ، آیات 30 تا 33 از قول تو گفته : ای زنان پیامبر ، هر یک از شما که کار ناروانی انجام دهید ، شما را دو برابر دیگر زنان عذاب خواهیم داد و این کار برای الله آسان است !!!!!!! و هر کدام از شما که از الله و رسول او فرمانبرداری کند ، نکوکار باشد !!!!!!!! خدایا ، آیا براستی این مزخرفات را تو گفته ای ، باور کردنش مشکل است . اگر به نکوکاران دو برابر پاداش میدهی ، آتھائی که یک برابر پاداش میگیرند ، چه کسانی هستند ؟ نمی فهمم . اگر کنیزی به پیامبر تو حال بده و توقع دو برابر پاداش داشته باشه ، محمد به در خواست او ترتیب اثر میده ؟ فکر نمی کنم .

خدایا با این همه بدبختی که ادیان تو سر زنان آورده اند ، چرا آنها لشکر جهل تو باقی مانده اند ؟ چرا فکر می کنند که ناقص العقل هستند ؟ چرا پذیرفته اند که کالا هستند ؟ چرا فکر می کنند که وسیله لذت مرد و کارخانه جوجه کشی هستند ؟ به این چرا های من پاسخ بده . به نظر شما نباید ذهن زنان را از این مزخرفات پاک کرد ؟ نباید به این تبعیض غیر انسانی پایان داد ؟ . من امروز مدعی هستم که ، چرا مردان میتوانند بدون حجاب نماز بخوانند ، ولی زنان در گفتگو با تو ، خودشان را در هفت کفن ببوشانند . خدایا ، آیا از جانب شما ، خطری خانم ها را تهدید می کند ؟ شاید شما هم ، زباتم لال ، مثل پیامبران پیش از من ، و یا طبق تز اولین رئیس جمهور ایران ، ابوالحسن بنی صدر ، با دیدن موی خانم ها تحریک میشوی ؟ خدایا چطور ، تو ماس آکیناس که بزرگترین مقام مذهبی در جهان مسیحیت در سده 13 بود ، بخودش اجازه داد که از طرف تو بگوید : زنان با شیطان رابطه دارند !!! خود جناب آکیناس که از زیر بوته به عمل نیامده بود . با این حساب ، مادر ایشان با شیطان سر و کار داشته ؟ البته ، تو ماس در مورد خودش بی ربط حرف نزده ! در سده 13 ، چه تعداد زنان تیره بخت را با چسبانیدن انگ ، ارتباط با شیطان ، زنده زنده در آتش سوزاندند .

این اسقف مسیحی جنایتکار می گفت : زن ، بخاطر طبیعت بیولوژیک و روحی اش از مردان پست تر است ! باز جای شکرش باقی است که به مردان نیز صفت پست چسبانیده .

خدایا کتاب Jubulees را خوانده ای؟ که باز به نام تو و تحت فرنام آموزش های تلمود در مذهب یهودیت راجع به زنان نوشته اند: زنان کارشان فقط سکس و شهوت است. هیچ صحت عملی در کارشان نیست، بخاطر این، اعمالشان شیطانی است.

خدایا، آیا این شرم آور نیست که یهودیان در دعای روزانه خود بگویند: شکر تو خدا را، ای خدای بزرگ، پادشاه جهان که مرا زن نیافریدی. البته زنان هم باید شکر گزار تو باشند، چون اراده تو بر آن قرار گرفته که آنان را زن بیافرینی! راستی راستی خنده ات نمی گیرد؟

خدایا، چرا در ادیان سامی، زن ستیزی در سر لوحه کارها قرار دارد؟ درخیم پیامبر تو محمد، یعنی علی به چه حقی در مورد زنان گفته: زنان ناقص العقل، ناقص الایمان و ناقص البخت هستند. او میگوید: تمام وجود زنان شر است. هیچگاه با زنان مشورت نکنید، چون عقیده آنها بی ارزش است. با زن وقت نگذرانید چون زنان باعث فرو ریزی شما میشوند! البته من منظور علی در گفتن فروریزی را نفهمیدم، فکر می کنم، اگر علی چند دقیقه با زنی وقت صرف کرد، علی کوچولیش فرو ریخته، گریه کرده و کوچک و پلاسیده میشود. نظر شما چیست، آیا برداشت من درست است؟

خدایا تو که سلیمان را به پیامبری انتخاب کردی به من بگو: یک آدم با داشتن 700 زن و 300 معشوقه کی وقت میکرده که اوامر شما را انجام بدهد؟ همین انتخاب های غلط شما بود که باعث شده امروز کسی پهن بار شما نکند. می بخشید، زمان تعارف و پرده پوشی و مالش گذشته.

من در مقام پیامبر تو سوگند میخورم که ارزش واقعی زن را به او بر گردانم و نیمی از جهانیان را در کنار ارزش های انسانی، بعنوان نیروی کار، برای آبادی، رفاه و آسایش هر چه بیشتر بکار گیرم. کاری خواهم کرد تا بنیاد خانواده هر روز محکم و محکم تر شود. تعهد می کنم که زندان زنان را که ادیان تو برای آنها ساخته اند، خراب کنم. آنها را از گوشه آشپزخانه به اجتماع و در راس بزرگترین مشاغل بنا به آگاهی و لیاقتشان قرار دهم. حجاب را از زنان خواهم گرفت و او را در امر لباس پوشیدن آزاد خواهم گذاشت.

خدایا فکر کن، هیچ آدم عاقلی در گرمای تابستان خاور میانه، حاضر شود خود را در هفت کفن سیاه بپوشاند.

تأمین اجتماعی زنان را تضمین می کنم. شدیدترین مجازات ها برای سودجویان سکس خصوصا در مورد کودکان و نوجوانان اعمال خواهم کرد. کاری خواهم کرد که مردان از بردن نام صیغه و متعه وحشت کنند. فاصله بین زن و مرد را از آموزش ابتدایی در مهد کودک تا دانشگاه و محیط کار را از میان بر میدارم. خدایا، آیا هیچ میدانی که در پاکستان اسلام زده، سه هزار عروس قرآنی وجود دارند؟ مسخره نیست که اگر در خانواده ای پسری در سن ازدواج یافت نشود، دختر

دم بخت تیره روز را به غریبه نداده و او باید تا آخر عمر در خانه بنشیند و قرآن بخواند !!!!!

ادیان تو با اصل جدائی زن و مرد ، واحد خانواده را به زیر سنوال کشیده اند . مرد بیرون خانه و زن درون خانه . مرد در بیرون خانه با مردان و زنان دمخور است و شب ها برای جفت گیری به اندرونی میرود . باور کن که این همه نارسائی و تبعیض ، حالم را بهم میزند .

خدایا ، شاید برای آفریدن حیواناتی بنام پاتانهای افغانی فخر میفروشی ! در میان پاتانها ، اگر زنی صورتش را نشان غریبه بدهد ، شوهر و یا پدرش میتواند دماغ او را ببرد .

خدایا ، شده حتی یکبار در گرمای تابستان بورقه بپوشی تا گرمای جهنم را حس کنی و بفهمی که پیامبران پیش از من چه بلانی بر سر بندگان مونث تو آورده اند .

خدایا ، آیا از فحشای مقدس چیزی میدانی ؟ کسی تا بحال راجع به **Devadasi** برایت گفته ؟ در هندوستان ، خانواده های فقیر ، دخترانشان را وقف خدایان محلی می کنند . دختران نگون بخت را به معبد میفرستند ، آنوقت دختر مقدس شده ، هر شب باید زیر یکی از اداره کنندگان معبد بخوابد . معبد داران هم از دختران مقدس ، فاحشه ساخته و به زائرانی که برای زیارت می آیند کرایه میدهند ، درست مشابه آنچه در ایران اسلام زده میگذرد امروزه آخوند ها در کنار قبر رضا در مشهد و خواهرش معصومه در قم عشرتکده های مذهبی باز کرده اند و زنان نگون بخت را به زائران عرب و افغان و پاکستانی و آفریقائی کرایه میدهند .

خدایا امروزه میتوانی در سراسر ایران به جنده خانه های رسمی دولت اسلامی که نام خانه عفاف دارند سر بزنی و از حال و روز بندگان خود آگاه شوی . خدایا میدانی که در اروپای سده های میانی ، بسیاری از نمایندگان ، تویعنی کشیش ها جنده خانه داشتند . کشیش مندز به تعداد کتابهای کتابخانه بزرگش ، جنده در اختیار داشت . آیا کسی بهت گفته در ممالک اسلامی ، برای شیوخ هر شب یک دختر باکره میبرند و شیخ تنها یکبار با او خوابیده و دیگر او را نمی بیند ، هرچند بندگان نگون بخت تو باید هزینه زندگی تجملاتی آن دختر را تا آخر عمرش بپردازند . خدایا از فحشای دولتی چه میدانی ؟ کسی بهت گفته : بسیاری از دولت ها برای مهماتان خارجی خود ، خاتم میآورند .

حال با توست که تصمیم بگیری . با انتخاب من بعنوان پیامبر ، یکسره بساط دین ، ایده لوژی و تبعیض جنسی ، جمع خواهد شد البته پیشنهاد های جامع دیگری هم دارم که خدمتتان عرض میکنم .

نکته بعدی که در دستور کار من قرار دارد ، البته با موافقت شما ، این است که با هر گونه ملی گرایی شدیداً مقابله خواهم کرد . در درازای تاریخ ، این مسئله باعث کشتار بسیاری از مردم شده است . ویرانیهای غیر قابل جبرانی را پیش آورده و دودمانهای زیادی را بر باد داده است . نمونه بارز آن ، نژاد پرستی آلمانها در زمان هیتلر و یا ترک های جوان در ترکیه است . در جنگ جهانی دوم ، میلیونها تن از بندگان تو کشته شدند . ترک های جوان یک و نیم میلیون ارمنی را قتل و عام وحشیانه و ددمشانه کردند . نژاد پرستی و ملی گرایی که با خون ریزی توام باشد ، باید متوقف شود .

خدایا : بندگان تو دیگر نمی توانند الگو های کلیشه ای قدیمی که پیامبران پیش از من آورده اند را قبول کنند . بشر هزاره سوم باید با سنت ها خداحافظی کند . سنت ها در بین ملل ، همواره باعث بدبختی و در جا زدن بوده اند . باید طرحی نو ارائه داد تا جلوی خشونت ، ویرانی ، استعمار ، استثمار ، جنگ و فقر را گرفت . باید کاری کرد تا جلوی بهره کشی را سد کرد . بندگان تو از زمان آدم و حوا تا امروز هیچ تغییری نکرده اند . باور سنتی پدر مردم ما را در آورده است . بشر امروز امکان ندارد که به پای تکنولوژی و پیشرفت برسد . خیلی هنر کند ، درصد کمی از کارائی یک دستگاه مثل تلفن همراه و یا کامپیو تر را میداند ، در حالیکه مغزش در زمان موسی ، عیسی و محمد یخ زده است .

خدایا ، عامل این پس رفت و یخ زدگی ذهن بندگان تو ، تنها پیامبرانی است که پیش از من فرستادی و دنیا را به گه کشیده اند . پیامبران پیش از من با تحمیق و فریب بندگان تو از انسان دام ، الاغ و گاو ساختند . بندگان تو هر روز با فاصله گرفتن از شعور و درایت و انسانیت به گرگ و کفتار نزدیک میشوند . هر روز صفات و فروزه های انسانی کم رنگ تر میشود . خدایا بندگان امروز تو بیشتر شبیه حیوان هستند تا انسان ! آیا خواست تو از اشرف مخلوقات همین است ؟

جامعه امروز ، جامعی بیمار و مریض است . آنها موسساتی ساخته اند که عامل بدبختی و تیره روزیشان شده . از موسسات سیاسی ، قانون گذاری ، اجتماعی و مذهبی . امروز ارزش های خانوادگی شدیداً در خطر است . بندگان تو در زمینه های شغلی ، تخصص هائی دارند که مخرب و ویرانگر است .

خدایا همانطوریکه گفتم ، سنت ، گردی بر مغز بنده های تو پاشیده که جلوی شکل دهی درک و شعور و دید و فهم را گرفته و نمی گذارد که آنها تغییر یافته و طعم تکامل و پیشرفت را بچشند .

از میان موسسات اجتماعی که دست روی همه چیز انداخته و دنیا را به تباهی کشیده است و برای بندگان تو ، روز به روز شرایط زندگی را سخت تر می کند ، سیستم مالی یا بانکهاست . باید به آگاهی تو برسایم که صد درصد نمایندگان تو بر روی زمین ، نوکر و مواجب بگیر این سیستم هستند . نمایندگان بنام تو و صرفا بخاطر مال دنیا ، دماری از روزگار بندگان در آورده اند و آنها را به خاک سیاه نشانده اند که نگو و نپرس !! البته اگر خواهان اطلاعاتی در مورد دزدیها ، اختلاس و چپاولگری های نمایندگان باشی تمامی را در اختیار میگذارم .

خدایا اصلا میدانی که پول ، این عامل بردگی بندگان چگونه تولید میشود ؟ چه سیاست هائی در اداره آن نقش بازی می کنند و در نهایت چه تاثیری بر زندگی بندگان دارد ؟

پیامبران پیش از من ، از روی شارلاتانی و حقه بازی ، حرف از مساوات و برابری زده اند تا مردم را خر کنند . غارتگری مثل محمد ، چگونه میتواند حرف از مساوات و برابری بزند . فرستاده های تو در جمهوری اسلامی روی هر چه دزد مشهور در جهان بوده را سفید کرده اند . آنها پول و اندوخته بندگان تو را که در بانکها گذاشته بودند ، بالا کشیدند و هر کس را اعتراض کرد به شدید ترین نوع سرکوب کردند .

خدایا : در جهانی که ما زندگی می کنیم ، یک درصد از مردم ، مالک چهل درصد از ثروت های جهان هستند . در زمینی که آفریدی هر روز 34 هزار کودک بر اثر فقر و گرسنگی میمیرند . بسیاری از بندگان تو در آمدشان کمتر از دو دلار در روز است . چرا این وضع پیش آمده ؟ چرا این همه اختلاف حاکم شده ؟ راه حل آن چیست ؟

خدایا بندگان تو به اقتصاد با دید گیج و کسل آور آن نگاه می کنند . در صد بالائی از آن ها ، فکر می کنند که اقتصاد مال خره !! نمونه بارز آن فرستاده خرفت و ابله خودت ، روح الله خمینی بود . این آخوند شیاد به بندگان خرد گم کرده تو گفت : آنچه برای ما مهم است ، معنویات است نه اقتصاد ، نه رفاه ، اصولا اقتصاد مال خر است !!! امروزه چپاولگران تا دلت بخواد ، اقتصاد را با اصطلاحات نامفهوم و ریاضیات الکی بخورد مردم میدهند تا آنها چیزی از آن سر در نیآورند . درست مثل قرآن خواندن ایرانی ها که

هیچ چیز از این هجونامه به اصطلاح مقدس نمی فهمند . پیچیدگی اقتصادی امروز تنها یک نقاب است و با اجازه شما من می خواهم تا این نقاب را از چهره مفت خور ها و دزد ها پر دارم و بساط یکی از بزرگترین عامل های دست و پا گیر بشر را بر چینم .

امروزه تمام بندگان تو ، برده پول هستند . امکان ندارد که حتی یک بنده آزاده پیدا کنی .

سالها پیش بانک مرکزی آمریکا بنام فدرال رزرو نوشته ای را منتشر کرد بنام : مکانیک پولی مدرن ! این نوشتار به روش و شکل تولید پول در این بانک و سایر بانکهای وابسته به خود پرداخت . در رویه نخست ، هدف بانک مشخص شده بود ، آنهم با لغات قلمبه سلبه بانکداری . این نوشته را برایت ترجمه می کنم ، چون مطمئن هستم ، انگلیسی بلد نیستی . البته حق داری که دنبال آموختن زبان انگلیسی نروی . زبان تو تنها عبری و عربی بوده .

متن ترجمه شده : دولت ایالت متحده آمریکا به این نتیجه رسیده است که به پول نیاز دارد !!! بنابراین با بانک ما تماس گرفته و درخواست ده میلیارد دلار کرده است . بانک ما در پاسخ به این درخواست از دولت خواسته تا ده میلیارد دلار اوراق ضمانت دولتی بدهد .

و مابقی جریان شنیدنی است . دولت آمریکا چند تا ورق کاغذ برداشته ، چند تا شکل روی آن چاپ کرده و اسم آنرا گذاشته اوراق قرضه و خزانه دولتی و رقم ده میلیارد دلار را روی این کاغذ ها میگذارد و به بانک میدهد . فدرال رزرو هم تعدادی کاغذ بر داشته و آنها بشکل اسکناس در آورده و این کاغذ ها را به دولت میدهد . پس از این کاغذ بازی های بدون پشتوانه ، فدرال رزرو ده میلیارد نت فدرال رزرو ، یا اسکناس را در بانکی مثل چس یا یونیون میگذارد . بدین ترتیب این کاغذ ها به پول رایج تبدیل میشوند و ده میلیارد دلار به ذخیره پولی بانک اضافه میشود . به سادگی آب خوردن ، پس از یک مبادله کاغذی ، ده میلیارد دلار نو وارد بازار میشود . خدایا این شرحی که من دادم ، ساده تر از این حرفهاست . برای صرفه جوئی ، تمام این تبادلات الکترونیکی انجام میشود ، یعنی فقط روی کامپیوتر . خدایا : آیا میدانستی که تنها سه درصد از ذخیره ارزی آمریکا بشکل اسکناس در دست مردم است و نود و هفت در صد آن در کامپیوتر بانکهاست .

اوراق دولتی در اصل ابزار بدهی هستند و زمانیکه فدرال رزرو آنها را میخرد و با پولی که از ناکجا آباد درست و خلق شده می خواهد آنها را معاوضه کند ، دولت را موظف می کند که باید این پول به بانکها بر گردد !!! خدایا متوجه ترفند میشوی ؟ پول از بدهی تولید میشود ! فدرال رزرو وقتی می خواهد پول را به دولت بدهد ، ده درصد آنرا به عنوان

پشتوانه و یا بیمه بر میدارد . حالا نوبت به شامورتی بازی های پرده دوم نمایش میرسد . بانکهای وابسته به فدرال رزرو می خواهند نه میلیارد دلار را به مشتری های خود قرض بدهند . پس از چک کردن کردیت که نشانه شدت و ضعف بردگان مالی توست ، درصدی را به عنوان دپازیت میگیرند . مثلا برای یک وام خانه یک میلیونی ، بیست درصد بعنوان دپازیت یا داون ، یعنی دویست هزار دلار میگیرند . بیست درصد نه ملییارد دلار میشود یک ملییارد و هشتصد هزار دلار که بلافاصله به ذخیره اولیه فدرال رزرو اضافه میشود . یعنی به ادای ده بار چرخش پول اولیه ، نود ملییارد دلار به ده ملییارد اولیه افزوده میشود . بهره بانکی هم داستان دیگری است . پولی قرض گرفته میشود و در مدت 5 تا 40 سال ده ها برابر آن را پس میدهیم . خدایا : متوجه شدی که چگونه پول تولید شد ؟ شاید از من بپرسی : چه چیزی به این کاغذ ها ارزش می بخشد ؟

پاسخ خیلی ساده است : تقاضا برای خرید کالا و خدمات گوناگون . خانه خریدن ، ماشین خریدن ، مسافرت رفتن و در شکل های خطرناک آن رستوران رفتن ! اگر مردم پول داشته باشند ، یعنی قدرت خریدشان بالاست ، آن موقع دلار کاهش پیدا می کند . وقتی دلار کاهش پیدا کرد ، آن موقع تورم را میسازند ! فرستاده های ابله تو با مغز های فندقی در ایران ، بلائی سر تومان آوردند که آنرا از دلاری هفت تومان زمان شاه به هفت هزار تومان رساندند . این ابلهان تاریخ معیار های اقتصادی را هم بهم زدند . هم مردم بخاک سیاه نشانند ، هم ارزش پول ایران به سطح پهن و کود حیوانی رسید و هم تورم کمر مردم را شکست . به تورم اشاره کردم ، تورم یعنی یک مالیات پنهانی و اضافی که از بندگان تیره روز تو میگیرند ، بدون اینکه خودشان خبر داشته باشند .

بانک داران شگرد های خود را دارند . آنها حرفی از کاهش ارزش پول نمی زنند . آنها میگویند : نرخ بهره را کاهش میدهیم . اوج شارلاتانی آنجاست که وقتی ارزش پول کاهش پیدا کرد ، میگویند : ما پشتوانه و ذخیره ای نداریم (پشتوانه ارزی میتواند جلوی تورم را بگیرد) . با این حساب فدرال رزرو ذاتا تورم زاست !

در آمریکا به سال 1913 یک دلار معادل 21/6 دلار در سال 2007 ارزش داشت . یعنی اگر در سال 2007 با یک دلار میتوانستیم یک عدد هات داگ کاسکو را بخریم در سال 1913 با یک دلار 21 هات داگ بما میدادند ، آنهم به اضافه انعام یا تیپ ! باور نکردنی است ، بین این دو زمان دلار 96 درصد کاهش پیدا کند . از زمانیکه فدرال رزرو زاده شد در سیستم مالی آمریکا پول در حقیقت همان بدهی ما و بدهی همان پول است . نمودار

ذخیره پولی در سال 1950 میلادی یک تریلیون دلار بود که در سال 2006 به یازده تریلیون دلار رسید و در عوض میزان بدهی آمریکا در سال 2006 به رقم 9 تریلیون دلار رسید. پول بیشتر، بدهی بیشتر! تنها راه به وجود آوردن و ساختن پول از طریق وام و قرض است. اگر مردم میتوانند خانه خود را نقد بخرند و یا از کردیت کارت استفاده نمی کردند، یک دلار هم در چرخش باقی نمی ماند. لب کلام این است: اگر بدهی در سیستم پولی بشر نبود، هیچ پولی هم در کار نبود. در آمریکا به سال 1835، وقتی رئیس جمهور اندرو جکسون بانک مرکزی آمریکا که مقدم بر فدرال رزرو بود را منحل کرد، آمریکا یک پنی هم بدهی نداشت. کار اندرو جکسون را من در مورد فدرال رزرو انجام خواهم داد. جکسون، بانک مرکزی آمریکا را منحل کرد چون دریافته بود که بانک می خواهد دولت آمریکا را کنترل کند. شور بختانه عمر این اقدام اساسی و بنیادی کوتاه بود و بار دیگر در سال 1913 بانک مرکزی دیگری را تاسیس کردند.

خدایا تا زمانیکه سیستم پولی دنیا بر اساس آنچه که گفتم باشد، بنده های تو برده و بنده بانکها هستند. پولی بابت خرید خانه قرض میگیریم. بیست درصد بهای خانه را داون میگذاریم که اگر وسط کار قادر به پرداخت وام خود نباشیم و خانه به بانک برگردد، بانک ضرر نکند!! برای وام سی ساله پیش روی، بیست سال تنها بهره می پردازیم. چون همواره پول ذخیره بیشتر از پولی است که در چرخش است، بنابراین به پول جدید نیاز بوده که خود عاملی است برای تورم.

اگر من پیامبر شوم، جلوی برده داری مدرن را خواهم گرفت. بهره و بدهی بندگان تو را خفه کرده است. از آنها برده هائی ساخته که شبانه روز باید جان بکنند تا شکم خود و زن و فرزندان خود را سیر کنند. بهره هائی که هرگز پایان ندارد. پولداران هر روز پولدار تر و فقیران هر روز فقیر تر میشوند.

پول از هیچ و فرضی در بانک ها ساخته میشود ولی شیره جان مردم بشکل حقیقی به بانک ها بر گردانده میشود.

امروزه لازمه برده داری، داشتن خانه و تامین غذاست. برده داری اقتصادی ایجاب می کند که مردم خود دنبال خانه و غذا بدونند. این یکی از حساب شده ترین ترفند ها و حقه هائی است که بندگان تو خورده اند. بدهی سلاحی است برای به بردگی کشیدن مردم و بهره اولین گلوله ای است که از آن شلیک میشود. بندگان تو گیج و سرگردان راه میروند

بدون آنکه از ساخت و پاخت دولت ها و بانکها و شرکت های وابسته به آنها آگاهی داشته باشند . روی سخن من با بانک جهانی و موسسه های پولی بین المللی آی ام اف است

خدایا اگر امروز من پیامبر شوم ، فردا در بانک جهانی را می بندم . این بانک عامل بدبختی و هر چه فرو رفتن کشور های جهان سومی و در حال توسعه است . کشور های فقیر وقتی از این بانک پول قرض میگیرند که صرف عمران و آبادی کشورشان کنند ، تنها قادر به پرداخت بهره پول قرض گرفته هستند . از این روی این کشور ها هر روز فقیر و فقیر تر میشوند که حاصل آن فشار مرگبار بر مردم عادی است . با یک نگاه به یونان متوجه ریاضت اقتصادی و فشاری که بر مردم هست میشوی .

خدایا باید به امپراتوری چند درصدی در جهان پایان داد که اندک سرمایه دار ، اکثر ثروت جهان را صاحب شده اند و هر روز در فکر زر اندوزی بیشتر هستند .

برای فتح و به بردگی کشاندن کشور و ملتی دو راه وجود دارد : شمشیر و زور همان کاری که پیامبر جنایتکار تو محمد در مورد ایرانیان و مصریان کرد . همان کاری که دستار بندان اشغالگر پس از سقوط دودمان پهلوی در ایران کردند و می کنند و راه دوم آن بدهی است . فقر و نداری است . امروزه سرمایه داران ، امپراتوران واقعی جهان هستند و تمام فرستادگان تو ، نوکر و گماشته آنان . مبلغین مذهبی با نام تو دست به فریب توده ها میزنند تا منافع اربابان سرمایه دار خود را حفظ کنند . مبلغین مذهبی و فرستاده های تو کاری می کنند تا محرومان پولداران را نخورند .



خدایا تا امروز گوشت به واژه کورپوراتو کراسی خورده ؟ corporatocracy

اگر میگی نه ، من برات شرح میدهم . سرمایه داران کشوری مثل ایران را پیدا می کنند که نفت داره و رهبری داره مثل محمد رضا شاه پهلوی که از باج دادن به سرمایه داران خسته شده و می خواهد مردمش را به دروازه های تمدن بزرگ برساند . اولین شگرد سرمایه داران این است که ایران در حال توسعه و پیشرفت یک وام سنگین و کمر شکن بگیره . وامی که تحت فرنام اصلاحات پیش نهاد میشه ولی هرگز به ایران نمیرسه !!!!

وام مذکور قبل از استرداد به دولتمردان ایرانی بین شرکت های خودشان تقسیم میشه (از شرایط وام یکی اینکه برای ساختن سد از شرکت خارجی ما باید سود جوئی شود) . گام بعدی اعزام کارشناس و تکسین خارجی است . مرحله بعدی فروش لوازم و قطعات مورد نیاز است . یک روز نیروگاه میسازند ، کاری که روسها با ایران کردند . پیمان کار این نیروگاه شرکت اتم ستروی اکسپورت است که از سال 1374 تا 1390 به مدت 16 سال

از آخوند ها پول گرفت . این نیروگاه توسط آلمانی ها و به دستور شاه در سال 1354 ساخته شد و در زمان انقلاب بهره برداری از آن بطور کامل قطع شد . همانطوریکه گفتیم سوخت اتمی آنرا روسها میدهند و ادعا می کنند که پسماند اتمی را روسها باید از ایران خارج کنند که بعید به نظر میرسد . در اردیبهشت 1397 در جاده یاسوج رفت و آمد های مشکوکی تحت تدابیر شدید امنیتی رخداد که گفته اند مربوط به زباله های اتمی بوده است . اگر دولتی وام گرفت و نتوانست بدهی اش را بدهد ، موقع درخواست های نامشروع

میرسد : احداث پایگاه نظامی از پیش و پا افتاده ترین پیشنهادات است . یادتان باشد در رای گیری سازمان ملل به ما رای بدهید ! کارخانه های خود را تعطیل و اجناس ما را بخرید ! زمین های کشاورزی خود را تبدیل به شهرک کنید و یا در آنها چیز هایی که ما میگوئیم بکارید ، ما گندم و سبزی و میوه شما را تامین می کنیم ! سیستم آبرسانی شهر های شما را ما قبول می کنیم !! به صرف شماسنت که سیستم تلفن و مخابرات شما را شرکت های ما به عهده بگیرند ! حالا اگر رهبری مثل شاه زیر بار درخواست های آنان نرفت ، خیلی راحت زیرآبش را میزنند . اصولا زیر آب رهبری دلسوز در خاورمیانه خر پرور را زدن بسیار راحت است ! بیش از همه روشنفکر نما های آن مملکت کمک می کنند . مردم هم که کاره ای نسیتند ، کافی است بز اول از جوی بپرد ، مابقی هم همین کار را می کنند .

خدایا متوجه عملکرد بانک جهانی شدی ؟ حالا بمن حق میدی تا آنرا تعطیل کنم . هدف ظالمانه این ارگان این است که کشور های جهان سومی را در بدهکاری دائمی قرار دهند

پیشنهاد پشت پیشنهاد : نگران نباشید ، وام جدید بگیرید تا بهره وام اول را بدهید !!!! چون کردیت شما خوب نیست ، بهره وام دوم ، دو برابر وام اول است !!!! خدایا آخر و عاقبت اینکار را میتوانی حدس بزنی ؟ حراج منابع طبیعی . از دست دادن خاک وطن . امتیاز گمرکات و بنادر . چشم ها وقتی باز میشود که کشور مستعمره شده و فقر و عقب ماندگی و تن فروشی ، سوء تغذیه و بی فرهنگی بیداد می کند . اگر عوامل ذکر شده در

روز اول اگر از نمره یک بر خوردار بود ، حالا به منهای ده رسیده است . سقوط پهلوی و به قدرت رسیدن آخوند ابله تحت لوای توطئه های اقتصادی که خمینی آنرا منصوب به خر کرد اتفاق افتاد .

خدایا : گواتمالا 1954 میلادی را بیاد داری ؟ وقتی آربنز رئیس جمهور شد . در آن زمان گواتمالا در چنگال شرکت آمریکائی میوه یونایتد دست و پا میزد . تمام دسترنج مردم فقیر گواتمالا از آن شرکت یونایتد بود . قصد آربنز این بود که زمین های اشغال شده توسط شرکت آمریکائی را به مردم گواتمالا بر گرداند . شرکت یونایتد که منافعش به خطر افتاده بود یک کمپین انتخاباتی بزرگ در آمریکا راه انداخت تا آمریکائی ها ، مطبوعات ، رادیو تلویزیون ها و کنگره آمریکا را متقاعد کند که آربنز دست نشانده روس هاست . اگر او به قدرت برسد ، روسها دارای پایگاه نظامی در گواتمالا خواهند شد . کار شستشوی مغزی به راحتی صورت گرفت . ارتش آمریکا وارد کار شد و آربنز را سرنگون ساخت .

از اکوادر 1981 میلادی برایت میگویم : زمانیکه خایمی رولدوس رئیس جمهور شد . او میگفت : منابع طبیعی اکوادر مال مردم آن سرزمین است . او نفت را ملی کرد . اینکار او خشم آمریکائی ها را بر انگیخت ! لذا برنامه فاسد کردن او را ریختند . خواستند او را بخرند ، مشابه آنچه به سران جمهوری اسلامی وعده دادند و تمامی آنها خود را فروختند و بجای آن شعار تو خالی و بادکنکی نه غربی ، نه شرقی ، جمهوری اسلامی را به امت همیشه در صحنه فرو کردند . رولدوس وعده ها را نخرید و بخاطر اینکارش در می 1981 هواپیمایش سقوط کرد و به محض سقوط ، محل حادثه توسط سربازان آمریکائی محاصره و دو تن از شاهدان عینی همان روز در تصادف ساختگی کشته شدند . رولدوس را کشتند ، چون خریدنی نبود .

خدایا : آیا پیامبران پیش از من از این توطئه ها با خبر بودند که شما را آگاه کنند ؟ و یا اینکه شما خبر دار بودید که به فرستاده های خود بگویند که آدم های صالح و خوب را محافظت کنند ؟ قدر مسلم هیچ یک از دو مورد بالا وجود خارجی نداشت . پیامبر زنباره تو محمد که دائم به فکر کارهای فنی بود و تو هم شده بودی خانم رئیسش ! می بخشید که بی پرده حرف میزنم . خانم بازی ، بچه بازی و انحرافات جنسی پیامبر تو محمد ، منو خیلی اذیت می کنه . آخه چطور ممکنه شما یک روانی گردنه زن قاتل را به عنوان پیامبر انتخاب کنی ؟

خدایا هدف من اینه که به این جنایات پایان بدم . تا امروز نفت به عنوان کانون اصلی توطئه علیه کشور های نفت خیز ، خون هزاران تن از بندگان تو را ریخته است . وقتی ما از نیروهای تمیزتر و غیر آلوده و قابل دسترس مثل آب و باد و خورشید میتوانیم استفاده کنیم ، چرا خودمان را به نفت چسبانیده ایم ؟ مگر خورشید کم انرژی دارد ؟ مگر باد که میتواند توربین های تولید برق بادی را بحرکت در آورد چه عیبی دارد ؟ چرا از انرژی موج دریا استفاده نمی کنیم ؟ لطفا به پیشنهاد جایگزینی سه نیروی خورشید ، باد و آب بجای نفت فکر کن .

خدایا از آخر و عاقبت اومرتوریخوس رئیس جمهور پاناما آگاهی ؟ به او پیشنهاد رشوه دادند ، او قبول نکرد . او گفت : آرزوی من این است که به کشورهای آمریکای لاتین کمک کنم تا استقلال خود را به دست آورند . کانال پاناما ، مال مردم پاناما ست . او مر پس از پاسخ به آمریکا منتظر سرنوشتی بود که برای رولدوس رقم زدند . در جون 1981 یکی از محافظان او مر را خریدند و او در هواپیمای رئیس جمهور بمب گذاشت . در ونزویلا مشتی لومپن و بدکاره را به خیابان ها ریختند و علیه هوگو چاورز تظاهرات به راه انداختند . البته چاورز از این توطئه جان سالم بدر برد و به مرگ طبیعی مرد و در مراسم خاکسپاری او مموتی خودمان ، احمدی نژاد هم حضور داشت که عکس بغل کردن مادر چاورز مدتها سوژه مطبوعات بود .

خدایا آیا دلت برای بندگان عراقی خودت نمی سوزد که سالهاست در آتش و خون زندگی کردند . وقتی صدام حسین بود ، از کسی صدائی در نمی آمد . نه از کرد ها و نه از شیعه های جنوب عراق ، نه خبری از گنده لات قاسم سلیمانی و سپاه قدس در عراق بود و نه داعشی که خاطره محمد ، پیامبر تو را در هزاره سوم میلادی برای مردم جهان زنده کند .

عراق در امن و امان بود تا اینکه آمریکا خواست صدام را بخرد و قراردادهایی با او ببندد که پیش از آن با عربستان سعودی بسته بود . صدام قبول نکرد . آمریکا سراغ گارد امنیتی او رفت تا با خرید آنها موجب نابودی صدام را پیش آورند و این بار باز شکست خورد . اطرافیان صدام با او دست رفاقت داده بودند و قابل خرید نبودند . در ایران ارتشی که باید حافظ سرحدات و مردم کشورش باشد ، مملکت را در سینی طلائی گذاشتند و تقدیم فرستاده سوپر گاو تو خمینی کردند . مزدوران اقتصادی به عراق رفتند تا صدام را خراب کنند ، نشد . نوبت گزینه سوم فرا رسید . در سال 1991 بوش پدر به عراق لشکر کشی کرد . صدام شکست خورد ولی تسلیم خواست های آمریکائی ها نشد . بخاطر سر سختی

صدام ، آمریکا برای بار دوم به عراق حمله کرد . صدام خود را پنهان کرد ، ولی او را پیدا کردند و دار زدند .

خدایا : بندگان تو آزاد به دنیا آمده اند و باید آزاد زندگی کنند . یک کشور به صرف اینکه قلدلر است نباید به سایر کشور ها زور بگوید . امروزه به نام گسترش فرهنگ و خصوصا دین ، بندگان تو را قتل و عام می کنند . کاری که فرستاده های تو پیش از من مرتکب شدند .

خدایا من کاری به فرد ندارم ، چون میدانم امپراتوری زور تحت سلطه یک فرد نیست . هدف من نابودی کورپوراتو کراسی است . اینها افرادی هستند که بزرگترین شرکت ها را اداره می کنند . آنها رادیو تلویزیون و نشریات را در اختیار دارند . آنها صدها لابیست دارند که سیاستمداران و نمایندگان مجلس را میخرند . رئیس جمهور تعیین می کنند . مدت خدمت این افراد معلوم نیست . رئیس جمهور ماگزیم هشت سال سر کار میمونه ، ولی اینها برای تمام عمرشان سر کارند . کسی آنها را نمی شناسد و مهمتر اینکه ، آنها پاسخگو نیستند . برای این افراد تنها چیزی که مطرح است ، پول است و بس . آنها با شرف و مهربانی و شفقت بیگانه اند . خدایا به من جواز پیامبری بده تا گلوبالیزشن را از (Globalization) بین ببرم و بندگان تو را به آرامش برسانم .

صدای مبهمی که ناشی از صحبت چند تن است همراه با اکو بگوش میرسد . روشنگر با دیش و میکروفونش ور میرود . اینک صدای مردی توام با اکو بگوش میرسد :

ای بشر خاکی باز که سرو کله تو پیدا شد . ایکاش سال پیش تو را می کشتم . من همان اشتباهی را کردم که بوش پدر در مورد صدام حسین کرد و کلی خرج روی دست مردم آمریکا گذاشت ! این مزخرفات چیست که میگوئی و وقت مرا میگیری . مگر میشود در بانک جهانی را بست ؟ مگر میشود در صدها هزار مسجد و کلیسا و تمپل و معبد را بست ؟ مگر میشود حقوق مردان را با زنان یکسان دانست ؟ مگر میشود در سازمان ملل متحد را گل گرفت ؟ انگار تو بشر خاکی ناچیز از قدرت شرکت های بزرگ و کارتل های نفتی آگاهی نداری . اگر کسی در جهان سراغ مرا می گیرد ، به پرکت وجود این شرکت هاست ! بخاطر وجود مذاهب مختلف و مکانهایی است که تو خیره سر از آنها به عنوان فسادکده یاد میکنی . بخاطر فشار هائی است که فرستاده های من روی بندگان من میگذارند تا آنها تقاص زورگویان را از من بخواهند !! اگر مسجد و کلیسا و تمپل و معبد و خانقاه نباشد چه کسی بیاد من می افتد . (صدای خنده چند تن بگوش میرسد)

روشنگر : خدای بزرگ مثل اینکه افرادی نزد شما هستند و شما تنها نیستید ؟

خدا : خانم بچه ها اینجا هستند . البته چند روزی است که مریم خانم با یوسف نجار مهمان ما هستند (صدای خنده بگوش میرسد)

خدا : راستی گفتی اسمت چیه ؟

روشنگر : کوچک شما ، روشنگر

خدا : تو بشر خاکی ، فکر میکنی من از اوضاع جهان بی خبرم ؟ فکر میکنی نقش کمپانیهای بزرگ چند ملیتی را در گروگان گیری بندگانم را نمیدانم ؟ همین الان سی هزار تن از اهالی اکوادور و جنگل نشینان آمازون از دست شرکت تکزاکو دلشون خونه . فکر میکنی من این بالا نشسته و استراحت می کنم و اعمال شما ها را نمی بینم . آره ، آلودگی تکزاکو 18 برابر آن چیزی است که آگزان در سواحل آلاسکا ریخت . فکر میکنی من نمیدانم که فرستاده های من چه بر سر کشور تو ایران آوردند و اکو سیستم آنرا نابود کردند . روشنگر جان ، تمام مشکلات بندگانم را میدانم ، ولی بدان که قدرت من در گرو یکیه تازیهای مبلغین مذهبی در مذاهب مختلف است ، در گرو شرکت های بزرگ است . این شرکت های بزرگ هستند که رئیس جمهور انتخاب می کنند . گردش دنیا به دست آنهاست . سال پیش بهت گفتم : قدرت من در نفهمی بندگانم است . با چه زبانی بهت بگم که من : هیچکاره ام ، تنها دلخوشیم این است که خدا هستم ، یک مقام تشریفاتی بدون قدرت ! اونهایی که دو زاریشان افتاده برای من تره خورد نمی کنند و اونهایی که ذاتا خرد وقت و بی وقت از من چیز هائی را می خواهند که در توانم نیست . یارو مریضی داره ، پزشکان از معالجه اش قطع امید کردند ، بعد انتظار معجزه از من دارد ! یارو آنقدر خره که پول نان و سبزی داره ، اونو توی صندوق صدقه میندازه تا من بهش چلو کباب بدم . روشنگر جان : صاحب جهان ، بانک جهانی است ، آگزان و موبیل و تکزاکو و آرکو و وال مارت هستند . من میدانم کار این شرکت ها چیست ، گسترش فقر و اختلاف بین بنده های من انداختن . تو فکر میکنی من از اختلاف طبقاتی رنج نمیبرم ؟ بابا کاری از دستم بر نمیآد ، اینو بفهم ! امروزه اختلاف طبقاتی بین بنده های من به رقم یکصد درصد رسیده . خودت گفتی که چند درصد از مردم دنیا چهل درصد دارائی های زمین را صاحبند . یه نگاهی به کشور خودت ایران ببند ، فکر میکنی من از میزان درصد کسانیکه زیر خط فقر بسر میبرند بی اطلاعم ؟ تو فکر میکنی از اینکه پولدار ها هر روز پولدارتر و فقیران هر روز فقیر تر میشوند رنج نمی برم ؟ من فقط یک اسم دارم ، کاره ای نیستم .

از اول نیتم خوب بود ، ولی هر کاری که کردم ، خودم اعتراف می کنم که اشتباه بود .
انتخاب تمام پیامبران اشتباه بود . انتخاب موسی ، عیسی و خصوصاً اون ولد زنا محمد
اشتباه بود . کار خرابتر از آنست که امید به درست کردن و بهبود آن برود . من قدرت
بستن بانک جهانی را ندارم . این بانک آنقدر بزرگ است که کسی را توان مقابله با آن
نیست ، چه برسد که بخواهد آنرا تعطیل کند . ببین ، وقتی بانک جهانی به اکوادور وام داد
در عرض سی سال فقر مردم آنجا از 50 درصد به 70 درصد رسید . در اکوادور 70 درصد
از بندگان من بیکارند . با لشکر بیکار و گرسنه ، بی پول و بی اعتقاد که همیشه به جنگ
ابر قدرتها رفت . ببین ، فرستاده های من چه بر سر مردم کشور تو آورده اند که برای
یک موز یا یک بطری ساندیس شرف و غیرت و وطن خود را میفروشند . بندگان من الان
در اکوادور 16 میلیارد دلار بدهی دارند . فکر میکنی فقط خودت از آمار و ارقام با اطلاع
هستی ؟ میزان بدهی قبلی آنها 240 میلیون دلار بود . گذشت آزمای که من فقط به بز
چرانی فکر میکردم و پیامبرانم را از میان چوپانان انتخاب کردم . این ندانم کاری و رنجی
که از آن بردم باعث شد تا دیگر پیامبری نفرستم . تصمیم من بود ، ولی محمد ولد زنا به
نام خودش اطلاع رسانی کرد که او خاتم الایینا است . وقتی متوجه حرامزادگی محمد شدم
، بخاطر اینکه خودی نشان بدهم سید علی محمد شیرازی و میرزا حسین علی نوری را
فرستادم ، بنابراین محمد آخرین پیغمبر من نبود ، متوجه شدی ؟ جانم ، منو با وال مارت
و جنرال موتورز و اگزان در نینداز (صدای خنده چند تن بگوش میرسد) منو با آی بی ام
، آی تی تی ، آی تی اند تی ، و رایزون و یونی کاربید در نینداز !

روشنگر : خدای بزرگ می بخشید که کلام شما را قطع می کنم . به سید علی محمد
شیرازی اشاره فرمودید . یعنی شما نمیدانید که بهائیگری فرآورده هرزه بابیگری و
بابیگری دستمایه شیخی گری و خود شیخی گری زاده نامشروع شیعه گری است که تازه
خود شیعه گری به عنوان مذهب من در آوردی ، فرآورده اسلام است ؟ برای بار اول است
که می شنوم سید محمد علی شیرازی هم پیامبر بوده !

خدا : بگذار برای بگویم . زمانیکه پیروان حاجی کریم خان (کریم خانی ها) در کرمان و
پیروان حاجی میرزا شفیع (شیخیه ها) در تبریز مقابل هم قرار گرفتند و بین آنها جنگ
در گرفت . من برای اینکه جلوی خون و خون ریزی را بگیرم یک پیامبر تازه ساختم و او
سید علی محمد شیرازی بود . این علی محمد ، پسر سید محمد رضای بزاز بود که در
شیراز به شغل پارچه فروشی اشتغال داشت . اونو به کربلا فرستادم تا زیر نظر سید کاظم

رشتی آموزش ببیند . سید کاظم در کلاس درسش همواره راجع به ظهور امام زمان صحبت میکرد و می گفت : روان امام زمان میتواند در جسم فرد دیگری وارد شود !

روشنگر : خیلی جالب است ، سید علی محمد شیرازی می خواست که خودش را امام زمان به مردم خرد گم کرده ما جا بزند ؟

خدا : صبر داشته باش . تو دو سال تمام سر منو بردی ، من گوش کردم . کمی دندان روی جگر بذار و حرفهای منو گوش کن . سید علی محمد شیرازی در افسانه های شیعیان خوانده بود که امام زمان شامگاه از مکه با شمشیر ظهور می کند و سحرگهان به کشتار کفار می پردازد ! او در همان زمان گروهی با ارتش سیاه جامگان از جانب خراسان بحرکت در می آیند . علی محمد ، دوستی داشت بنام ملا حسین بشرویه ای که او را مامور کرد به خراسان پرود تا ارتش سیاه جامگان را رهبری کند !! علی محمد با اینکه از من پروانه پیامبری گرفته بود (صدای خنده چند تن بگوش میرسد) در مکه جرات نکرد بگوید امام زمان است (تکرار تاریخ که در مورد محمد هم صادق بود . او در مکه نتوانست اقبالی بیابد و به مدینه فرار کرد) علی محمد به بوشهر برگشت و حسین خان آجودان باشی ملقب به نظام الدوله که فرماندار فارس بود ، دستور دستگیری و اعزام او به شیراز را داد . با وقوع وبا در شیراز ، علی محمد با یاری منوچهر خان ایچ آقاسی ، معتمد الدوله به اصفهان گریخت و پس از دستگیری مجدد ، از آنجا او را به ماکو و به قلعه چهریق نزدیک مرز ترکیه تبعید کردند . البته یاران او ، یعنی ملاحسین بشرویه ای ، ملا محمد علی بار فروش (قدوس) ، سید یحیی دارابی و خانمی بنام فاطمه دختر ملا صالح برغانی قزوینی که بعد ها بنام فاطمه قره العین مشهور شد برای او تبلیغ میکردند . سید محمد علی شیرازی در سال 1850 میلادی اعدام شد . در تاریخ سابقه ندارد که برای اعدام او و یارش میرزا محمد علی تبریزی 750 سرباز را در سه ردیف برای کشتن این دو تن بخط بکشند . فرمانده جوخه مرگ پیامبر من ، سرهنگ سمخان ارمنی بود . اون موقع من هوس کردم که کمی از قدرت خودم را که پیش از آن موسی و عیسی به نمایش گذاشته بودند نشان دهم . وقتی 750 سرباز بسوی آندو شلیک کردند ، دود زیادی راه افتاد و آنها نمی دیدند که به چه چیزی شلیک می کنند . وقتی کار شلیک تمام شد . سر بازان دیدند که میرزا محمد علی تبریزی صحیح و سالم در برابر آنها ایستاده و خبری از سید محمد علی شیرازی نیست . البته با کمی بالا و پائین کردن ، علی محمد در حال فرار را پیدا کردند . سرهنگ ارمنی از کشتن آندو سر باز زد ولی یک سرهنگ احمق دیگر که معجزه مرا باور نداشت و اسمش سرهنگ آقا جان خمسه ای بود ، آندو را اعدام کرد (صدای خنده چند تن

بگوش میرسد) درسته که علی محمد در ابتدا خواست امام زمان باشد ، ولی با تبلیغات بانو قره العین و موافقت من به پیامبری منصوب شد .

روشنگر : خدای بزرگ شوخی میفرمائید ! با این حساب می خواهید بگوئید میرزا یحیی نوری ملقب به صبح ازل هم که جانشین سید علی محمد شیرازی (باب) شد ، هم همپایه پیامبر شماسست ؟

خدا : من از وجود صبح ازل بی خبرم ، من او را نفرستادم !!

روشنگر : خدای بزرگ . دو سال از کشته شدن باب که گذشت ، میرزا حسین علی نوری (بها الله) خود را رهبر بابی ها شناسائی کرد . در حالیکه باب ، میرزا یحیی (صبح ازل) را به جانشینی خود انتخاب کرده بود . البته صبح ازل از ترس ماموران ناصر الدین شاه تابستانها در شمیران و زمستانها در نور مازندران به زندگی مخفیانه ادامه میداد . کار دو برادر بر سر کسب قدرت به دشمنی انجامید و روزی نبود که طرفداران ازلی (صبح ازل) و بهائی منصوب به میرزا حسین علی نوری (بها الله) همدیگر را پاره نکنند . دولت عثمانی آنها را که در بغداد سکونت داشتند تبعید کرد . ازلی ها به قبرس و بهائی ها به عکا در فلسطین فرستاده شدند . بها الله در عکا ، خود را یک مسلمان تمام عیار معرفی میکرد . به مسجد میرفت و پشت سر امام جماعت ، نماز می خواند و زمانیکه موقعیت دست میداد خود را خدا می خواند .

خدا : عجب . کار بجائی رسیده که بها الله پا در کفش ما می کند . (صدای خنده چند تن بگوش میرسد) چه غلط ها زن قحبه جاکش

روشنگر : به بخشید خدای بزرگ و بد دهنی !

خدا : مگر بار اول است که فحش دادن منو شنیدی ؟ اون موقع که به ابو لهب و زنش فحش میدادم کجا بودی !

روشنگر : می بخشید ، فراموش کرده بودم .

خدا : می بخشم . خوب بگو چه بر سر این شارلاتان که خودشو جای من غالب کرده بود آمد ؟

روشنگر : بها الله به مدت 26 سال در شهر عکا به رهبری بهائیان اشتغال داشت و هجو نامه ای نوشت بنام اقدس که چیری در ردیف کتاب بیان سید علی محمد شیرازی بود .

وقتی آخوند های زمان ناصر الدین شاه ، باب را سنوال پیچ کردند و به کتابش ایراد گرفتند گفت : چون صرف و نحو در گذشته مرتکب گناه شده بود و زندانی !!!!! من از خدا خواستم تا آنها را آزاد کند !!!!

خدا : این مردک که فرق بین اتوبوس دو طبقه با هویج را نمیداند . وقتی از او سنوال کردند راجع صرف و نحو کتابش توضیح دهد ، فکر کرده صرف و نحو آدمند !!! ای وای بر ما !

روشنگر : بها الله پس از دادن یک سوتی ، وقتی قیافه متعجب آخوند های درباری را می بیند میگوید : منظور من این بود که کتاب مرا نباید با قواعد صرف و نحو سنجید . شما باید قواعد صرف و نحو را با کتاب من هم خوانی بدهید !! خدای بزرگ این یگانگی فریب و ریا کاری از سوی دو شیاد مدعی دین نشان میدهد که مبلغین دین از یک منبع و آبشخور تغذیه میشوند .

خدا : مواظب حرف زدنت باش . شاید دلت می خواهد که سوسکت کنم !!!

روشنگر : به بخشید ، قصد توهین نداشتم .

خدا : خوب مابقی قصه را بگو

روشنگر : بله ، بها الله پیش از مرگ ، فرزندش عباس افندی را به جانشینی خود انتخاب کرد و عباس که خودش را عبدالبها خواند به مدت 29 سال از زندگی فرا شاهی بهره مند شد . در سال 1920 میلادی او از پادشاه اسلام پناه انگلیس لقب سر گرفت . وقتی عبدالبها مرد ، نوه دختریش شوقی افندی رهبر بهائیان شد . بها الله تشکیلاتی بنام بیت العدل اعظم درست کرد و رهبر بهائیان ، ریاست این تشکیلات را داشته و رهبری در آن موروثی است . البته چون عبدالبها پسر نداشت ، یک تبصره در قانون بهائیان برای یک بار گذاشتند که نوه دختری میتواند رهبر شود !! در سال 1957 شوقی افندی در لندن با عارضه انفلونزا میمیرد و چون کسی را به جانشینی خودش انتخاب نکرده بود ، 9 تن به رهبری شورای بیت العدل اعظم گمارده میشوند که برای 5 سال رهبر باشند . امروزه 6 میلیون بهائی در 200 کشور جهان زندگی می کنند . خدایا تو باید احمد کسروی ما را بشناسی ؟ او میگوید : بدبخت بهاالله که یک طرف به مردم ایران و هند خدائی می فروخت و از سوی دیگر از ترس مسلمانان نماز می خواند و روزه میگرفت .

خدا : از حرف کسروی خوشم آمد .

روشنگر : خدای بزرگ اجازه دارم تا انتقادی کوچک از شما بکنم ؟

خدا : بکن ، ولی مواظب حرف زدنت باش که منو عصبانی نکنی .

روشنگر : شما گفتید که باب را شما فرستادید ولی از مابقی جریان اظهار بی اطلاعی کردید . خدای بزرگ شما با فرستادن باب در حقیقت خواستید زهر تقلبی به خورد بندگان خود بدهید . زهر اصلی ، اسلام چه تحفه ای بود که خواستید زهر تقلبی هم بسازید

دستور های باب و بها الله در دو کتاب اقدس و بیان ، کپی هجو نامه قرآن است . باب خواندن تمام کتابهای مذهبی به غیر از کتاب خودش را حرام کرد . به همین دلیل بابی ها قرآن و سایر کتابهای اسلامی را میسوزانند . این چه شیوه زشتی است که در تمام طول تاریخ نجاست آلود اسلام و شبعه های آن اعمال میشود . باب وصیت کرد که او را در شیراز دفن کنند و مناسک حج را در محل آرامگاه او انجام دهند . عده ای باور دارند که بهائیگری از این روی ساخته شد تا کمی از بربریت و خشونت اسلام بکاهد . بخاطر همین است که در این باور بطور تنوری زن و مرد با هم برابرند که درست خلاف ادیان ابراهیمی است . باب ادعا می کند که زنان با مردان برابرند ، ولی هیچ زنی حق ندارد در شورای بیت العدل اعظم عضو شود . خدای عزیز و بزرگ از باب و بها الله که بگذریم ، امید وارم که نگوئی سید محمد مشعشع را تو فرستادی که گفته ، فرزندش مولا علی ، خود خداست !

خدا : چه گه خوریها که امروز می شنوم و ام آی 6 قبلا به من نگفته بود !! این آخری دیگه کیه ؟ مش مش ... از چه کسی حرف میزدی ؟

روشنگر : مش مش خیر مشعشع . یک شیاد دیگر که در نیمه سده 9 هجری در شهر واسط بین کوفه و بصره که آن زمان جزو خوزستان بزرگ بود به دنیا آمد و در جوانی ادعا کرد که امام زمان است . او یک شعبده باز بود و تعدادی لومپن و دزد ، درست مثل محمد دور و برش جمع کرده بود و کارشان حمله به دهات و غارت آنها بود . او پسری داشت تبهکار و زشت کردار که علی ابن ابیطالب را تداعی میکرد و نامش هم مولا علی بود که او را خدا شناسائی میکرد . او جنایات بزرگی مرتکب شد و سر انجام بر کرسی فرمائروانی خوزستان از حله تا اهواز تکیه زد . او می گفت : امام زمان است و پسرش خدا ! در سال 858 هجری ، مولا علی که اینک خدا بود به عراق حمله کرد و کشتاری در آنجا راه انداخت که تاریخ از بازگو کردن آن شرم دارد . حمله بعدی او به نجف بود . در

نجف او آرامگاه علی ابن ابیطالب را با خاک یکسان کرد . او می گفت : چون علی ابن ابیطالب خدا بوده ، بنابراین خدا نیاز به آرامگاه ندارد !

خدا : یعنی می خواهی بگی در زمان محمد ، پسر عموی او علی خدا بوده و او چیزی در این مورد بمن نمی گفته !!! یک دهنی از جبرائیل و محمد صاف کنم که دیگر یادشان نرود مرا بی خبر بگذارند !!

روشنگر : دقیقنا ، این را باید از پیغمبرت محمد بپرسی . من فقط راجع به سید محمد و فرزندش مولا علی سخن میگویم . البته سید محمد یه کتاب داره بنام کلام المهدی . اگر خواستید برایتان میفرستم . او در این کتاب نوشته : اگر یک مسلمان با یک کافر دست بدهد و خود را نشوید ، باید اعدام شود !! هر کس که علی را خدا شناسائی نکند باید کشته شود .

سید محمد می گفت که خدا ، یعنی شما تمام دانش پیامبران را یکجا به او داده اید ! و او از عالم غیب خبر دارد ! او می گفت که سر پیامبر شما عیسی را بریدند و برای یک فاحشه در مصر فرستادند ! او می گفت : مادر امام زمان دختر قیصر روم بود که وقتی در جنگ اسیر شد او را به بغداد آوردند و شما او را مریض کردید که کسی به او دست نزنند !!!

خدا با خنده : چه جالب ، چه کارهایی کردم که خودم خبر ندارم . خوب بعدش چطور شد ؟

روشنگر : پس از مرگ سید محمد ، فرزندش سید محسن 50 سال بر خوزستان فرمانروایی کرد و وقتی مرد یک جوان صوفی زاده بنام اسماعیل با گروهی صوفی بر سراسر ایران چیره شدند و فصل ترسناکی از تاریخ اسلام را با مذهب شیعه رقم زدند .

خدا : خوب روشنگر ، راجع به صفویه زیاد میدانم . ممنون که مرا از مطالبی که نمیدانستم آگاه کردی . آیا علاقه ای به دانستن پیامبرانی که من بعد از محمد فرستادم داری ؟

روشنگر : یعنی می فرمائید برای به گه کشیدن زمین اینها نی که می شناسم کافی نبودند ؟

خدا : خاموش باش و گستاخی نکن تا برایت بگویم : در پایان دهه 1830 در شهر فیتی

Fayette که در غرب نیویورک واقع بود ، کشیش جوانی بنام ژوزف اسمیت نظرم

را جلب کرد . از پیامبر سازی در صحرای حجاز و وهم صحرا خسته شده بودم ، می خواستم پیام را از خطه خر خیز عربستان بیرون بگذارم . از آن همه خشونت و خون خون ریزی خسته شده بودم . این بار خواستم تا در غرب یک پیامبر جدید برای ارشاد مردم بفرستم ، از این روی ژورف را انتخاب کردم . او تنها پیامبر هندی کپ و معلول من بود که لنگ میزد و با عصا راه میرفت . او در جوانی یک مسیحی باور مند به کلیسای پروتستان بود . روز 6 آپریل 1820 من فرشته ای بنام مورونی که فرزند پیامبر اسرائیلی ام مورمون بود درست مثل آن زمان که من جبرائیل را به غار حرا فرستادم که به دیدن محمد رفت ، نزد او فرستادم و به او مژده دادم که او پیامبر جدید است ! فرشته به او گفت : بین سالهای 400 پیش از میلاد و 600 پس از میلاد گروه های اسرائیلی برای فرار از اسارت به دست بابلی ها به فرمان من به آمریکا مهاجرت می کنند !!!!!!!

روشنگر : یعنی میفرمائید سرخ پوستان آمریکائی در اصل همگی یهودی بودند و برای رد گم کردن ، خودشان را رنگ کردند !! و با پوست انار پوستشان را قرمز کردند ؟

خدا : اگر یکبار دیگر مزه بریزی ، میرم و تو باید پیامبری را به خواب ببینی . تو هنوز به قدرت من واقف نشدی ، من اگر بخواهم درست مثل اهالی تیوانا مکزیک میتوانم خر را رنگ بزنم تا به عنوان گورخر با آن عکس بگیرند ! پس خاموش باش و مثل بچه آدم گوش کن .

روشنگر : حق به جانب شماست ، ولی خدای بزرگ ژورف اسمیت در ژانویه 1838 به جرم کلاهبرداری از کرتلند به ایالت میسوری فرار کرد . در میسوری نام کلیسای عیسی مسیح را عوض کرد و گذاشت کلیسای مسیح مقدسین آخرالزمان .

خدا : من اینها را نمیدانم !!!!!

روشنگر : بله کار کلیسا بازیش در کرتلند اوهایو گرفت تا اینکه در سال 1838 شایع شد که کلیسای مورمون مرتکب فساد مالی بزرگی شده است . اینم یادم نره که بگم : مورمون ها هر کجا که میرفتند ، مردم بومی چشم دیدن آنها را نداشتند . اون موقع ها پیامبر شما ژورف اسمیت می گفت : هرگاه غیر مورمونی بما حمله کند ، من بشکل محمد دوم با شمشیر جوابش را میدهم !! محمد دوم باشمشیر در ایالت میسوری کاری پیش نبرد و مثل محمد که از مکه به مدینه فرار کرده بود ژورف هم از میسوری به ایالت می سی سی پی فرار کرد . خوشبختانه مردم آمریکا فرار او را مبداء تاریخ خودشان قرار ندادند .

اسمیت چند زنی را در آمریکا مد کرد . او می گفت : پیروان با وفای او در آن دنیا تبدیل به خدا خواهند شد !

خدا : عجب مادر فحبه ای بود و من نمیدانستم . یعنی یکبار دیگر تگری زدم . پیامبر درست کنم که ده ها هزار برای من رقیب بتراشد .

روشنگر : خودتونو ناراحت نکنید ، بار اولتون نبود . پیش آمده ، پیش می آد ! راستی ژورف می گفت : وقتی 14 ساله بوده ، همراه با عیسی مسیح به حضور شما آمده !

خدا : گه خورده مردکه قرمساق دروغگو .

روشنگر : اسمیت در شهر نوو ایالت ایلی نوی هم ریاست حکومت ، هم رهبری و هم پیامبری را به عهده داشت ! از آنجائیکه دولت مرکزی با چند زنی مخالف بود در سال 1843 میلادی پیامبر شما را دستگیر کرد و در 24 جون 1844 او و برادرش هیروم بدست شبه نظامیان شهر بجرم فریب و اشاعه فساد کشته شدند . او باور داشت که اسرائیلی ها پیش از میلاد مسیح به آمریکا آمده و رنگ سرخشان بخاطر ارتکاب گناهان آنهاست !!!! خدا : قبلا شنیده بودم ، آنها برای رد گم کردن ، با انار خودشان را رنگ کرده اند . حالا می شنوم قرمزی پوستشان بخاطر ارتکاب به گناه است .

خدای بزرگ وقتی بنیاد الهی بر اصل دروغ و چاخان است چه فرقی می کند که اول بگوئیم چه خواجه علی یا اینکه بگوئیم علی خواجه . دروغ هرچه چربتر ، بهتر . دردش کمتر است .

خدا : یعنی میگوئی من پیامبری بنام علی خواجه داشته ام ؟

روشنگر با خنده : خیر ، این ضرب المثلی است در زبان شیرین پارسی . اسمیت میگفت : بخش جکسون می سی سی پی خود بهشت است . فرزندان قابیل سفید پوست بودند . مصر را دختر هام ، فرزند نوح کشف کرد . داود بجرم گناه خدا نشد . پیامبر جاه طلب و کس خل تو ، خودش را در سال 1844 کاندید ریاست جمهوری آمریکا کرد ولی اجل بهش مهلت نداد . پیامبر تو ژورف اسمیت در رقابت با پیامبر زنباره ات محمد ، با 32 زن که یک سوم آنها زیر بیست سال سن داشتند و دو تن از آنها 14 ساله بودند ازدواج کرد ولی نتوانست رکورد محمد را که با کودک 8 ساله ازدواج کند بشکند ! اسمیت باور داشت ، ازدواجش با 32 زن بخاطر آن بوده که آنها فاحشه نشوند !!!!!!! او باور داشت که چند زنی ، هر فردی را به جایگاه خدائی میرساند .

خدا : عجب جاکش مادر قحبه ای است . من 6 هزار ساله که با دختر حوا ازدواج کرده ام و تا کنون دستم به دست زنی غیر از همسرم نخورده .

روشنگر : بله ، سال گذشته افتخار هم صحبتی با همسر شما را داشتم . خانمی آگاه ، متین به نظر می آمدند .

خدا : بسه بسه ببینم کاری میکنی که اونو هوایی کنی (صدای خنده چند تن بگوش میرسد)

روشنگر : پس از کشته شدن اسمیت به دست شبه نظامیان ، کلیسای مورمون در شهر نوو ، شورائی تشکیل داد و تصویب کرد که کلیسا باید بوسیله 12 تن اداره شود . شورا فردی بنام بریگهام یانگ را به جانشینی اسمیت بر گزیدند و یانگ مورمون ها را به سال 1846 به ایالت یوتا کوچاند که هم اکنون این ایالت در سلطه آنهاست . یانگ هم با 27 زن ازدواج کرد . در سال 1857 دولت مرکزی با کمک ارتش رسم چند زنی را اسما متوقف ساخت . رهبر مورمون ها ویلفرد وودرف با دیدن سربازان به پیروان خود گفت : دیشب خدا به خواب من آمده و گفته چند زنی موقوف !!!!! امروزه پیروان مورمون شارلاتان زنباره در آمریکا 14 میلیون هستند که 6 میلیون آنها در یوتا و آیداهو زندگی می کنند .

خدای بزرگ این پیامبری که فرستادی به غیر از مشروبات الکلی ، نوشیدن چای و قهوه و کشیدن سیگار را هم ممنوع کرد . او گفت : بجای چای و قهوه شیر تازه !!!! بنوشید . آهم با مک زدن و تا میتوانید هلو به سیخ بکشید . خدای بزرگ اسمیت یک بیمار جنسی مثل محمد بود . هر دوی آنها دزد و جنایتکار بودند . اسمیت را دوبار به زندان انداختند .

خدایا : برای من این سؤال مطرح است که رابطه تو با پیامبران رابطه ناگشوده شده جوجه و تخم است که اول کدامیک آنها بوده اند و از طرفی برخی از دوستان باورشان این است که خدا ساخته و پرداخته دست بشر شارلاتان است . البته این مورد را قبول ندارم ، چون دو سال است که با خدا و زن خدا صحبت می کنم . خدایا برای من روشن کن که چگونه آدم های هفت خط دغلكار و دزد و جنایتکار چگونه خودشان را با شما پیوند زده اند و به دروغ خود را فرستاده شما جا میزنند ؟ در کاوش و بررسی زندگی پیامبران متوجه میشویم که مثنی پدر سوخته بیرحم ، قسی القلب و جنایتکار ، خانم و بچه باز و غارتگر شده اند پیامبر تو .

خدا : روشنگر تو که میدانی تمام پیامبران من یکی بدتر و رذل تر از آن دیگری است پس چرا خودت را کاندید مقام پیامبری کردی ؟ اگر فکر میکنی که من جوجه یا تخم هستم که در اصل هیچ فرقی نداشته و مسئله سر کاری است و مهم نتیجه کار است ، پس چرا دنبال کارت نمیری و وقت مرا بیهوده میگیری .

روشنگر : به راستی که دارم بخودم هم شک می آورم . این همه ضد و نقیض . این همه ناپاکی و رذالت . این همه حيله و تزوير .

خدا : زندگی یعنی همین . چی فکر کردی ؟ توقع داری سبک زندگی همه یکسان باشه ؟ انتظار داری همه با طرز تفکر مختلف از یک نوع زندگی بر خور دار باشند . توقع داری آن حیوانی که پس از 1400 سال که از مرگ ویران کننده و کشنده اجدادش ، مغز خودشو با قمه می شکافه کنار ولتر و یا اسپینوزا بنشینه ؟ روشنگر من قدرت شعور و درایت و فهم به بندگانم دادم ، اگر آنها نمی خواهند از آنها استفاده کنند ، تقصیر من چیست ؟

باور کن همین الان که پروانه پیامبری تو را امضاء کنم ، یک هفته بعد خراب میشی پیروانت خرابت می کنند . عکس تو را در ماه می بینند . میشی موسی و محمد و ژوزف اسمیت . دنیا مال تبهکاران مذهبی است . مال پیامبران حقه باز است . مال ملا و کشیش و خاخام است . مال شیخ و روضه خوان و مداحان است . هیچ نیرو و هیچ برنامه ای نمی تواند این آشغالدونی را پاک کند . می خوای بهت قدرت بدم که مثل هانگ چینی بشی که میلیونها چینی را به صرف اینکه فکر میکرد برادر کوچک عیسی مسیح است بکشتن بدهد . تعداد کشته شده های مکتب او را 50 میلیون تن گزارش کرده اند . حالا متوجه میشوی ، وقتی میگم اختیار از دستم خارج شده یعنی چه ؟ با چه زبانی بگم در آفرینش من شکست خورده هستم . بنده های من چنان در فساد و تباهی غوطه ورنده که هیچ چیز نمی تواند آنها را نجات بدهد . بابا من هیچ کاره ام ، اینو بفهم .

روشنگر : خدای بزرگ چقدر خوشحالم که شما با این همه عظمت و بزرگی به ندانم کاری خود اعتراف می کنید . بر خلاف بسیاری از رهبران ما که مردم را به خاک سیاه می نشانند و تازه طلبکار هم هستند . قبلا فکر میکردم که پیامبران پیش از من همه چیز خود را از شما پنهان میکردند و شما از آنها بی اطلاع بودید . البته زمان موسی و عیسی و محمد ما سیستم مخابراتی و فکس و اینترنت و تلفن نداشتیم و آنها ادعا میکردند که با شما نشست و بر خاست دارند . با شما غذا میخورند و با شما کشتی میگیرند . پس همه اش دروغ بود . در ضمن جنابعالی از من پرسیده بودید که هدف و برنامه ام چیست

منکه تمام پروژه هایم را خدمتتان عرض کردم . یک خواهش بزرگ از شما دارم و آن این است که همه را با یک چوب نزنید . یک فرصت کوتاه بمن بدهید . یکماه ، فقط یک ماه که در مقابل 6000 سال مدت کوتاهی است . ناچیز است ولی به امتحانش می ارزد .

خدای بزرگ من نا امیدی شما را ندارم . میدانم هر پیامبری که انتخاب کردید تو زرد در آمد . تمنا می کنم یک فرصت و یک شانس بمن بدهید . خدای بزرگ جسارت است . من فکر می کنم شما این شرکت های چند ملیتی را خیلی بزرگ و ترسناک کرده اید . من فکر می کردم این ویژه گی تنها خاص بندگان توست ، نه خدای بزرگی که کهکشانیها را آفریده . ما ایرانیها یک ملای بی مقدار دون پایه و صفت بنام روح الله خمینی را با سلام و صلوات وارد کردیم و بعد آنقدر او را باد کردیم که ترسناک شد . خدای بزرگ قدرت در دست توده هاست بشرطی که رهبر درست و حسابی داشته باشند . معلمین دلسوز داشته باشند تا آگاه شوند . وقتی بنا به خواست بانک جهانی ، شرکت بکتل آمریکائی کنترل آب سومین شهر بزرگ بولیوی را به دست گرفت و هر ماه بر قیمت آب افزود ، مگر شورش مردم باعث نشد تا شرکت بکتل بساطش را جمع کند . خدای بزرگ فکر کن تنها یک روز ، بلکه تنها یک روز در سر تاسر آمریکا کسی برای خرید بنزین به پمپ بنزین نرود . میدانی چه اتفاقی می افتد ؟ قیمت بنزین نصف میشود . خود شما که از نحوه کار گاندی در هندوستان آگاهید . شما مرا به پیامبری انتخاب کنید ، آنوقت من روی دیگر سکه را نشان شما خواهم داد . آفریننده بزرگ آنطوریکه شما می فرمائید نیست . اگر بندگان شما بفهمند که پیامبری آمده که قصد فریب و سر کیسه کردن آنها را ندارد و تمام اقداماتش در جهت رفاه و آسایش و آرامش آنهاست با جان و دل دنبال نیک بختی و خوشبختی میروند . مردم آزادی را دوست دارند . شادی را دوست دارند . امنیت را دوست دارند . عاشق شدن را دوست دارند . پیش از من ، پیامبرانی که فرستادی ، همه چیز مردم را گرفتند . از بنده های تو برده ساختند . جانی و قاتل و وطن فروش ساختند . کافی است .

خداوندا البته نمی شود تمام تقصیر ها را گردن مردم انداخت . نود و هفت درصد بندگان تو به بخشید گوسفند هستند . برایشون مهم نیست و اصلا نمی فهمند که که آنها را به چراگاه میبرند یا کشتار گاه . این سه درصدی های جامعه هستند که ملت را بسوی نیک بختی یا بد بختی میبرند . مردم تا امروز اسیر مذاهب ریز و درشت بودند که عامل بازدارنده پیشرفت و ترقی است . اگر آنها از یک سیستم اجتماعی سالم بر خوردار باشند ، وضع تغییر پیدا می کنه . اگر آنها معلمین دلسوز و آگاه داشته باشند به شکوفائی میرسند .

خدای بزرگ من میدانم که شرکت های بزرگ برای اینکه در کنار مذهب و ایده لوژی و پول و غذا ، فاکتور ترسناک تری برای کنترل بندگان تو داشته باشند ، تروریسم را ساختند . گروه تروریستی القاعده و اسامه بن لادن را آمریکائی ها ساختند که مثلا جلوی روسها به ایستند ! در دهه 1980 مجاهدین افغانی تحت حمایت آمریکا مقابل روس ها قدم علم کردند و این مجاهدین بودند که بنیاد القاعده را گذاشتند . القاعده بود که بنیاد داعش را گذاشت . مشکل را باید اساسی حل کرد . ریشه ای حل کرد . در سال 2007 ، وزارت دفاع آمریکا جهت مقابله با تروریسم !!! از بودجه ای برابر 161.8 بلیون دلار بر خور دار بود . در سال 2002 ، حدود 2000 تن از بندگان تو در جریان عملیات تروریستی که ساخته و پرداخته آمریکا بود کشته شدند که تنها 68 تن آنها آمریکائی بودند . خداوند

کسانیکه در آمریکا و هر ساله بر اثر آلرژئی به بادام زمینی میمیرند ، تعدادشان بیشتر از جان باختگان عملیات تروریستی است . چرا کسی متوجه نیست که با انفجار چند تا بمب و لت و پار کردن تعدادی مسافر یا توریست بودجه 161.8 بلیون دلاری میگیرند . خیلی راحت تر میشود تروریسم را کنترل کرد . جلوی پرزیدنت اوباما را باید گرفت که به سران رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی و آقا زاده های آنان گرین کارت ندهد . باید تغییراتی در قانون مهاجرت داد تا تروریست ها به راحتی به آمریکا نیآمده تا این محیط را نا امن کنند . کجای دنیا برای مهاجرت قرعه کشی راه می اندازند ؟ خدای بزرگ : جنگ من با عاملین بدبختی بندگان توست . دشمن من کسانی هستند که در دولت ها مسئول تامین بودجه هستند . 65 درصد بودجه کشور من ، صرف نیرو های سرکوبگر نظامی میشود . در خراب شده من تنها 4 درصد را به امر آموزش و پرورش اختصاص میدهند جنگ من با کسانی است که پول مردم یک کشور را صرف رفاه دشمنان آن مملکت می کنند . جنگ من با دولت مردان آمریکائی است که برای حفظ جان 68 تن ، هزینه ای برابر 161.8 بلیون دلار منظور می کنند ، ولی چشمان خود را روی فاجعه مرگ نیم میلیون آمریکائی که هر ساله بر اثر سگته قلبی میمیرند می بندند . کنترل کدام ساده تر است . چرا هزینه ای که باید صرف کاوش و اکتشاف شود در راه جنگ افروزی مصرف شود ؟ خدای بزرگ : 34 میلیون از بندگان تو به بیماری ایدز مبتلا هستند . هر ساله سه میلیون تن تنها در آمریکا میمیرند و کل بودجه جهانی این بیماری 12.6 بلیون دلار است .

جنگ من با تروریست های حقیقی است که کت و شلوار 5000 دلاری و یا عبا و عمامه و عصای چند صد هزار تومانی دارند ، نه آن نظامی بدبختی که از ناچاری دست به عملیات تروریستی میزند . دشمن من آن عروسک های کوکی نیستند که الله اکبر گفته و پرچم

آمریکا و اسرائیل را لگد مال می‌کنند و مرگ بر این و مرگ بر آن سر میدهند . جنگ من با کسانی است که تولید تریاک و هروئین افغانستان را تا میزان 94 درصد افزایش میدهند تا بتوانند وال استریت را کنترل کنند . پیش از 1980 میلادی ، افغانستان ده درصد تریاک جهان را تولید میکرد . پس از پیروزی مجاهدین بر روسها آنها تحت حمایت آمریکا ، آنها 40 درصد هروئین جهان را تولید کردند . سابقا افغانستان تریاک های خود را به بیرون صادر میکرد و در کشور های دیگر هروئین ساخته میشد . آمریکا یازده لایبراتور بزرگ هروئین سازی در افغانستان ساخت . افغان ها تا سال 1999 میلادی 80 درصد هروئین جهان را تامین میکردند . خدایا : چرا در هیچ کتابی از دین محمد تو ، اسلام راجع به مواد مخدر و نکوهش از مصرف آن و حرام بودنش مطلبی نمی بینیم ؟ آخه چطور میشه شراب را حرام اعلام می کنند ولی هروئین را خیر ؟ خدای بزرگ من راه مقابله و مبارزه با این سیستم مخرب و ویرانگر را بدم ، تنها باید اجازه عمل بمن بدهید . محدود کردن فعالیت های وزارت امور خارجه هر کشور و کنترل دقیق آنها ، به تعطیل کشاندن کمیسیونهای سه گانه در بلوک غرب و دفتر تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان در کشوری مثل ایران و تمام موسساتی که برای کنترل عوامل سیاسی- اجتماعی - فرهنگی و محیط زیست فعالیت می کنند .

پروردگارا تا امروز نفت جز بدبختی و تیره روزی برای بشر سودی نداشته . بیا و اجازه بده که بندگان تو از نیرو های طبیعی قابل دسترس استفاده کنند . کدام نیرو و انرژی را میتوان با خورشید مقایسه کرد ؟ اگر نفت را بکنار بگذاریم و یا در تولید و پخش آن تجدید نظر کنیم و از آن به عنوان یک حربه سیاسی استفاده نکنیم ، 80 درصد مسائل بفرنج جهانی حل میشه . تمام بندگان تو که بر روی زمین زندگی می کنند به نیرو های تمیز که کوچکترین آلودگی برای محیط زیست ایجاد نمی کنه دسترسی دارند . نیروی باد سه ایالت در آمریکا میتونه برق پنجاه ایالت را تامین کنه . خود سد ها و توربین های آبی را در نظر بگیر . کدام شهری در جهان به اندازه لاس وکاس لامپ و مصرف برق داره ، تمامشواز سد هوور میکیره . در سرزمین خشکی مثل ایران که در تمام طول سال آفتاب داره چه نیازی به راکتور اتمی است که برق تولید کنه . تمام کشور های اروپایی که از نعمت داشتن دریا بر خوردارند ، میتوانند از نیروی امواج استفاده کنند .مهمتر از همه جنوترمال یا گرمای زمین ، منبع انرژی لایزالی است که تمامی نداره . خداوندا : بندگان تو چون نا آگاه هستند برای حفظ موسساتی که آنها را به بردگی کشیده کار می کنند و نسبت به حفظ آنها تعصب دارند . اگر مردم متوجه شوند که کار کردن و عضویت داشتن درگارد

ضد شورش و نیروهای سرکوب و زندان و شغل شکنجه گری و جلادی خوب نیست ،
بدان تمایلی پیدا نمی کنند . باید این فساد همگانی را از بین برد . با آموزش ، میتوان
بندگان تو را از حالت شرطی بودن در مقابل مذاهب گوناگون که فکر می کنند ، هر کاری
که بکنند گناه است رها می بخشم . با آگاهی میتوان زنجیر را از پای بندگان تو در آورد .
بندگان تو اصلا نمیدانند آزادی چیست . تمام آنها تن به بردگی و بندگی اختیاری داده اند .
یکی اسیر اسلام است و دیگری اسیر یهودیت و مسیحیت . باید کاری کرد که اعتماد به
بندگان شما بر گردد . زندگی تمام افراد در سایه بی اعتمادی به زهر مبدل شده . امروز
بشر در پیله ایسم ها گرفتار آمده . فکر نکن که ایسم ها با هم فرق دارند . همشون یکی
هستند . هیچ فرقی بین فاشیسم ، کاپتالیسم ، سوشالیسم و کمونیسم نیست . ریر بنای
همشون پوله . همگی فاسدند . سرمایه داران برای استعمار و استثمار بندگان تو ایسم
میسازند تا بندگان تو را سرگرم کنند و جلوی پیشرفت دانش و علم را بگیرند . خدایا تنها
چیزی که میتونه بشر را نجات بده فقط تکنولوژی است .

خدا : یعنی میخواهی بگی ، پیشرفت تکنولوژی همواره به نفع بندگان من بوده ؟

روشنگر : من از آن نوع تکنولوژی حرف میزنم که تنها در خدمت رفاه حال بندگان
شماست . نه آن تکنولوژی که در راستای منافع مشتی ضد انسان و پول پرست باشد .
وقتی آلفرد نوبل دینامیت را اختراع کرد ، هدفش تسهیل در کار حفاری و جاده سازی بود
نه کشتار . وقتی صد سال پیش ، در بیشتر ممالک با گاری و چهار پایان فاصله دو شهر
را در چند روز می پیمودیم ، میتوانستیم فکرش را بکنیم که به فاصله چند ساعت از یک
قاره به قاره دیگر میرویم . امروزه با تلفن همراه و به مدد ساتلایت دور زمین هر کجا که
باشیم میتوانیم با افراد صحبت کنیم و تصویرشان را ببینیم . کدام از اینها بد است ؟
همین تلفن سالیانه جان میلیونها تن از بندگان شما را نجات میدهد . با پیشرفت اعجاب آور
تکنولوژی در امر تشخیص و درمان بیماریها میانگین عمر بشر به بالای 80 سال رسیده .
امروزه حرف اول و آخر را تکنولوژی میزند . اگر من بتوانم مسئله پول و سیاست و
اقتصاد ناپاک را حل کنم که میتوانم ، بندگان تو به دموکراسی واقعی میرسند . آنها از
تکنولوژی و منابع طبیعی خود استفاده می کنند و باهم به اشتراک میگذارند . وقتی شادی
و رفاه و آرامش و پیشرفت نصیب مردم شد ، رسالت من پایان میگیرد هر چند در آینده
باید منتظر یافته های جدید باشیم و زندگی فردای خود را با شناخته های آن موقع تطبیق
دهیم . باید هوشیاری را به مردم آموزش دهیم تا بار دیگر به دام شیادان مذهبی نیفتند .

خدای بزرگ : در دانشکده های علوم سیاسی را باید گل گرفت ! سیاست مداران جز اینکه برای بشر درد سر تولید کنند ، هیچ هنر دیگری ندارند ، درست مثل مبلغین مذهبی که کاری جز فریب و خدعه ندارند . من به آن تکنسینی که تابستان خانه مرا خنک می کند بها میدهم . من به آن نرس و پرستاری که تا صبح بر بالین بیمار می ایستد بها میدهم . من به آن معلمی که کودکان را با دانش روز جهان ، نه مزخرفات مذهبی آشنا می کند بها میدهم . اما سیاست مداران و مبلغین مذهبی نبودنشان بهتر از بودنشان است . سیاست مداران نه تنها نمی توانند باری از روی دوش مردم بر دارند ، بلکه مشکل ساز هم هستند . آنها قانونی می نویسند که به نفعشان است . هنر آنها در جنگ افروزی است . نابودی و ویرانی و آوارگی آنها را به وجد می آورد . آیا یک مبلغ مذهبی سراغ دارید که یک خشت روی خشت دیگر گذاشته باشد ؟ آیا تا کنون دیده شده که یک آخوند مدرسه بسازد . آن سیاست مداری که زندگیش با لابی گری میگذرد برای لای جزر خوبست . آیا در کارنامه سیاست مداران و مبلغین مذهبی جز فریب و کسب قدرت چیز دیگری می یابید ؟ من آمده ام تا یک تحول بنیادی و اساسی صورت دهم . می خواهم این قرارداد های صدتا یک غاز را کنار بگذارم . میخوام بودجه جنگ را صرف پژوهش و پیشرفت دانش کنم. این دانش و تکنولوژی است که اجازه هر کار مثبتی را بما میدهد . مذهب و ایده لوژی از انسانها برده و ربات ساخته است . من کاری می کنم که بشر کمتر زجر بکشد و بیشتر شاد باشد . شادی درست مثل اکسیژن است . کاری می کنم که بشر به دنبال فریب ادیان گرد غم و مویه نگردد . دانش و آموزش درست زحمت بندگان تو را کم می کند . خدایا تصور کن اگر تلفن دستی ات را ازت بگیرند و یا اینترنت تو را قطع کنند چه حالی بهت دست میده ؟ شما باید به نبوغ علمی و خلاق بندگان توجه نشان دهی . مخترعین و کاشفان بودند که زندگی را برای بندگان تو ساده تر کردند ، درست بر خلاف پیامبران پیش از من و مبلغین مذهبی که دنیا را به گه کشیدند . کدام یک از پیامبران تو در راستای آرامش . آسایش و پیشرفت مردم یک قدم برداشته ، من آمده ام تا با نو آوری و کنار گذاشتن سنت ویرانگر کاری را انجام دهم که 124000 پیامبر تو آنرا خراب کرده اند . باید مدرسه ساخت . بیمارستان ساخت . مکانهای تفریحی ساخت . با تمام توان و کوشش محیط زیست را حفظ کرد . از صنایع کوچک پشتیبانی کرد . نباید اجازه داد تا وال مارت پایش به شهر های کوچک باز شود و کسب و کار مردم بومی را تخته کند . نمی گذارم اجناس بنجول چینی دنیا را بخورد . تز من شکوفائی اقتصادی بر پایه منابع طبیعی است نه پول و نه بانکداری . تا آنجا که بتوانم جلوی کار های خدماتی و مصرفی را بگیرم . من با جامعه مصرفی که هیچ تولیدی ندارند کار ندارم . اگر بندگان تو در آسایش و آرامش و رفاه همراه با سیستم

تامین اجتماعی سالم نه مشابه آنچه در نظام آخوندی حاکم است و کارش فقیر کردن مردم و تولید فاحشه است ، زندگی کنند ، آیا از میزان بزهکاری کاسته نمی شود ؟ این فقر است که دزد میسازد ، فاحشه میسازد ، اعتیاد می آورد . آدم مرفه و با فرهنگ دنبال اینکارها نمی رود . خدای بزرگ بمن اجازه بده تا سیستم آموزش را دگرگون کنم . امروزه بندگان تو تحصیل می کنند تا خود را گرانتر بفروشند . فلان دانشمند هسته ای خود را به مشتی دستار بند مغز فندقی که ه را از ب تشخیص نمیدهند ، می فروشد . امروز مردم از روی عادت تحصیل می کنند . نادر مردمانی هستند که تحصیل می کنند تا موجب آسایش و آرامش هموعان خود را فراهم سازند . خدایا در کشور من ، جراحان شکم مریض را تا وقتی که پول بیمارستان پرداخت نشده باز نگهدارند . من می خواهم نظام آموزشی را با اخلاقیات آستی بدهم . هر چه بندگان تو آگاه تر و با هوش تر و انسان تر باشند ، جهان ثروتمند تر خواهد شد . ثروتی که تعلق به تمام مردم دارد . زندگی بهتر در سایه دانش میسر است . در سایه فهم و شعور و هم نوع دوستی میسر است . تمدن ، یعنی آزاد اندیشی و احترام به حقوق هموعان گذاشتن است . تمدن ، یعنی حیوان دوستی . تمدن ، یعنی داشتن مناسبات سیاسی - اجتماعی - فرهنگی بر اصل برابری و صداقت بدور از هرگونه فریب و نیرنگ و سود جوئی است . داشتن ارتش از پا تا بن دندان مسلح نشانه بربریت است . نشانه ضعف و جبر و زور است . داشتن نیرو های سرکوبگر نشانه قدرت نیست . معنی اش این است که مردم شما را نمی خواهند . هدف من ایجاد یک وحدت جهانی است . راه و روش من در پیامبری ، تنها خوبی کردن است . در کنار خوبی نامحدود و بدون ایستا ، آگاهی دادن و دانش پژوهی است . باید دکان تازی و تازی پرستان را که میگویند : تمام دانش جهان در هجونامه و جنگ نامه قرآن است بست . کسانی که بزرگترین کتابخانه های سر زمین مرا به صرف اینکه همه چیز در قرآن است و دیگر نیازی به کتابهای دیگری نیست به آتش کشیدند ، باید در محکمه تاریخ محاکمه شوند . من می خواهم جلوی دانش تجربی را بگیرم . چون دانش تجربی ، وجود خارجی ندارد که بخواهند به آن پر و بال بدهند . ما باید ذهن خود را به درک ظهور سیستم ها متمرکز کنیم . راحت بگویم : ما باید و همواره ذهنمان را برای کسب اطلاعات و یافته های جدید باز بگذاریم ، کاری که پیامبران پیش از من در بستن ذهن بندگان تو و قفل کردن و یا منجمد ساختن آن بکار بسته اند . ما باید همواره به دنبال یافته های جدید برویم دانش دوهزار سال پیش به درد همان زمان میخورد . قوانین زمان موسی و محمد به درد هزاران سال پیش میخورد . باید یافته های جدید را جایگزین دانش فسیل شده دیروز بکنیم . ما باید به پیشرفت و تکامل بها ء بدهیم و دور سنت را یک خیط بزرگ بکشیم . کار

مشکلی است و وقت می خواهد ، ولی غیر ممکن نیست . میدانم سیاست و مذهب در راستای فلج کردن و یخ زدن ذهن بندگان تو کار می کنند و هدفشان بار آوردن بندگان تو به عنوان دام است که به اهداف خود برسند . باید بپذیریم ، خصوصا شما خدای بزرگ که تا امروز تدابیری که از آسمان رسیده و پیامبران تو ضامن اجرای آن بوده اند ، کاری صورت نداده ، همه اش اشتباه بوده و راحت بگویم جهان را به گند کشیده اند .

خدا : روشنگر باز که تند رفتی و پر رو شدی !! (صدای خنده چند تن بگوش میرسد)
من خدای خدایان ! آفریننده خر و فیل و شپش و سوسک ، نهنگ و باسیل ابرت و کروموزوم و دی ان ا بگویم اشتباه کردم . شوربختانه امسال برنامه آزمایش کاربرد لیزر از جو زمین برای کوبیدن هدفهای دشمن بر روی زمین را نداریم ، وگرنه دودت میکردم
!! (صدای خنده چند تن بگوش میرسد)

روشنگر : خدای بزرگ بد برداشت نکنید . منظورم این نبود که شما را وادار به عذر خواهی بکنم . اینجا آدم حسابی ها و اونهایی که سرشون به تنشون می ارزد ، وقتی اشتباه می کنند ، عذر خواهی می کنند . منکه چیزی نگفتم . کار من زشت است یا موسی که مقابل دید صدها فرشته با شما کشتی گرفت و شما را ضربه فنی کرد !!! اون موقع اینقدر آشفته حال نشدید که با یک کنایه کوچک من کنترل خود را از دست بدهید و مرا تهدید به مرگ با اشعه های کیهانی کنید !

خدا : بله من اشتباه کردم که سال گذشته تو را نکشتم . زبان درازی هم حدی دارد . هیچکدام از پیامبران من گستاخی تو را نداشتند . هر کاری که میکردم ، آنها شکر گزار بودند . تو کجا بودی که ببینی ، وقتی من نوبت هم خوابی زنان پیامبرم محمد را تعیین میکردم ، او بیست و چهار ساعت تشکر میکرد ! (صدای خنده چند تن بگوش میرسد)

روشنگر : خدای بزرگ شما راجع به چه چیزی صحبت می کنید ؟ آزمایش لیزری چه صیغه ای است ؟ من از خلال کتابهای به اصطلاح مقدس شما دریافته بودم که بعضی اوقات وقتی شما عصبانی میشوید ، برای تنبیه بندگان خود طوفان و سیل راه می اندازید ! زمین را میلرزانید ! مور و ملخ به سراغ فرعون می فرستید ! اما تنبیه لیزری نشینده بودم . شاید چون همه چیز عوض شده ، جنابعالی هم خود را همگام دانش امروزی کرده اید که امیدوارم برای تنبیه بندگان خود از سلاح اتمی و سلاحهای کشتار همگانی استفاده نفرمائید ! خدای بزرگ تا یادم نرفته به آگاهی شما برسانم که من برای حفظ محیط زیست و تنگی جا در آینده هم فکر کرده ام . با رشد بیرویه جمعیت و اشتباهای سیری ناپذیر

شهرک سازان تا چند صد سال آینده ما با مشکل فضای سبز مواجه خواهیم شد . برج های قوطی کبریتی عملا سالم بودن و امن بودن مسکن انسان را به مخاطره خواهند انداخت . از این روی پروژه شهرک های معلق را پیشنهاد می کنم . شهرک هایی که با کابل به سنگهای سرگردان اطراف زمین متصل میشوند و راه ارتباطی آنان با هواپیما و هلیکوپتر خواهد بود .

در این زمان ، دوربین که بالای سر روشنگر است از او فاصله میگیرد و بسوی آسمان و جو زمین میرود تا به مدار زمین و یک ایستگاه فضائی که دور زمین در حال گردش است برسد . در ایستگاه فضائی چند فضانورد که در بین آنها خانمی نیز حضور دارد دور میزی نشسته اند و جلوی یکی از آنها میکروفتی قرار دارد .

فضانورد : روشنگر عزیز ، خیلی متاسفم که باید بگویم ، من و همکارانم دوسالی است که سر بسر تو میگذاریم ! سال گذشته 12 سپتامبر 2017 ، ساعت سه بعدازظهر را که در

Death Valley

بودی به یاد میآوری ؟ تو با ما ارتباط برقرار کردی و همکار زن من خودش را زن خدا معرفی کرد . در آن موقع ما میبایستی سلاح جدید لیزری را که وزارت دفاع آمریکا طراحی کرده بود آزمایش میکردیم و چه جایی خلوتر و بدون سکنه تر از دد ولی . خوشحالیم که خطر جانی متوجه تو نشد و تو جان سالم بدر بردی ! روشنگر بما حق بده ، زندگی در ایستگاه فضائی خیلی خسته کننده و کسل آور است . هم صحبتی با تو برای ما خیلی لذت بخش بود . تو باعث شدی که دید ما راجع به مذهب ، سیاست ، اقتصاد ، جنگ ایده لوژی ، حقوق پایمال شده بشر عوض شود . ما خیلی چیز ها از تو یاد گرفتیم . روشنگر عزیز : این ما هستیم که خدا را ساخته ایم ، تو پژوهشگری . یک نگاهی به تاریخ ادیان بینداز ، همه چیز دستگیرت میشه . ما خدا را ساختیم ، نه اینکه خدا ما رو بسازه . کاری از دست تو ساخته نیست . بشر چنان در خرافه غرق شده که امید به نجات او نیست امروزه دنیا نزدیک به هفت میلیارد گوسفند دارد ! آنها نیازی به سگ گله ندارند ، چون اکثر آنها توسط سگ گله پاره شده اند . تو نمیتوانی برده و بنده ای را که داوطلبانه تن به این خفت داده آزاد کنی . ما متاسفیم که در آخر فیلمت ، تو به پوچی رسیدی ، یادت می آد گفته بودی : ملت ما یک آخوند دون صفت بی مقدار بنام روح الله خمینی را آوردند . بعد اونو آنقدر باد کردند که از هیبت بزرگش ترسیدند . پیامبران زبل و شارلاتان هم بخاطر منافع فردی عروسکی بنام خدا ساختند و بعد با فوت عوام ، نه

خودشون اونو باد کردند تا با ترس مردم زندگی فرا شاهی داشته باشند . ما از اینجا کهکشان را رصد می کنیم . آدم خیلی باید ابله باشه که تصور کنه خدائی وجود داره و او بوده که این کهکشان را ساخته ، ولی برای نشان دادن قدرت خود صحرای بی آب و علف حجاز را انتخاب کرده و برای ارشاد اندک مردم صحرا 124000 پیامبر فرستاده . روشنگر عزیز بجای اینکه دلت برای مردم دنیا بسوزه ، کاری کن که خودت و اطرافیانت آدم وار زندگی کنید !!!! آزاده باشی و بگذاری که اطرافیانت طعم آزادی را بچشند . اعتماد و محبت را اشاعه بده . از بخل و حسد دوری کنی و احترام معلمین دلسوز خود و فرزندان را داشته باشی . از کارت و مسئولیت خودت ندزدی و کم نگذاری . آنچه برای خودت میخواهی برای دیگران هم بخواه . حیوانات را دوست داشته باش . دزدی نکن . دروغ نگو . ناموس دیگران را ناموس خود بدان . مطمئن باش آغاز بهار با شکفتن یک گل شروع میشه . خدا یعنی کشک . خدا یعنی فریب . خدا یعنی اجحاف و برده کشی . خدا یعنی جنگ . خدا یعنی آیه های شیطانی

در آخر فیلم بجای پایان متن زیر بر روی پرده ظاهر میشود :

NO MORE GOD

NO MORE PROBLEMS